

نشریه روزانه سومین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران

سینما

۵ حدود

CINEMA VERITE

۲۷ مهرماه ۱۳۸۸ - ۲۰۰۰ تومان



معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سینما فلسطین : مدیریت سینمایی مستند منطقه‌ای می‌شود



بر اساس طرح تازه معاونت سینمایی که با هدف بهبود وضعیت سینمای مستند و توجه به هنرمندان شهرستانی تهیه شده است، مدیریت فرهنگی سینمای مستند به وسیله هفت منطقه فرهنگی در کل کشور اعمال می‌شود.

«جواد شمقدری» معاون هنری وزیر ارشاد در چهارمین روز برگزاری سومین دوره جشنواره سینما حقیقت از سینما فلسطین بازدید کرد و به گفت‌وگو با برگزارکنندگان و خبرنگاران جشنواره پرداخت.

وی در ابتدای صحبت‌هایش با ابراز خوشحالی از برگزاری سومین دوره جشنواره سینما حقیقت، عنوان کرد: «دوره‌های قبل جشنواره نیز در دوره دولت نهم برگزار شد. ضمن اینکه مستندسازان هم توانستند در همین دوره سنگ بنای استقلال‌شان را بگذارند و جشنواره سینما حقیقت را جشنواره‌ای قرار دهند که به طور متمرکز به موضوع مستند بپردازد تا این سینما بتواند اهداف خود را جدی‌تر از گذشته مطرح کند.»

شمقدری با بیان اینکه سینمای مستند نقش تعاملی در کل جریان سینمای ایران دارد، افزود: «سینمای مستند نقش بسیار اساسی و بنیادی دارد. ما باید بتوانیم جایگاه این سینما را به صورت جدی‌تری در کلیت سینمای‌مان تعریف کنیم و تعریف تازه‌ای از آن داشته باشیم. چرا که سینمای مستند می‌تواند نقش بسیار تأثیرگذاری در ارتقای فرهنگ ما داشته باشد. این سینما با نگاه عمیقی که به فرهنگ اصیلی، آداب و رسوم و آیین‌های ما دارد، می‌تواند سینمای قصه‌گو و داستانی را متوجه بخش‌هایی کند که تاکنون کمتر مورد توجه بوده است.»

شمقدری با بیان اینکه سینمای مستند می‌تواند حلقه‌ای برای رسیدن به سینمای داستانی ایده‌آل باشد، ادامه داد: «فکر می‌کنم متأسفانه برخی فیلم‌ها در عرصه

سینمای داستانی، تا حدی از آرمان‌های والای جامعه و مردم ما دور هستند. سینمای مستند می‌تواند ارتباط مناسبی میان این آرمان‌ها با سینمای داستانی برقرار کند.»

او به راهکارها و برنامه‌های مدیریت جدید معاونت سینمایی برای بهبود وضعیت سینمای مستند اشاره کرد: «در این زمینه دو راهکار عمده داریم. یکی این‌که معتقدیم اعتبارات مرکز سینمای مستند و تجربی باید افزایش یابد و نوع مدیریت آن هم تغییر کند. در واقع برنامه ما این است که حدود هفت منطقه فرهنگی را در کل کشور تعریف کنیم که دوستان مستندساز بتوانند برای رفع مشکلاتشان و دریافت اعتبارات به منطقه نزدیک خود مراجعه کنند و مجبور نباشند برای هر کاری به تهران بیایند. این عین عدالت است و به این ترتیب می‌توان گام‌های موثرتری را برای شکوفایی استعدادهایی که در شهرستان‌ها وجود دارد، برداشت.»

معاونت سینمایی وزارت ارشاد به راهکار دوم اشاره کرد: «راهکار دوم ما نیز که تا حدودی در این دوره از جشنواره هم اتفاق افتاده است، تعامل سازمان‌های دولتی با مستندسازان است. در همین دوره نیز شاهد همکاری و حمایت بسیار خوب پژوهشگاه این سینما با مستندسازان بودیم. به دنبال این هستیم که با سازمان‌ها و نهادهای دولتی به تعامل پرداخته و امکانات و اطلاعاتی که سازمان و نهادهای مختلف دولتی در اختیار دارند، در اختیار مستندسازان قرار دهیم.»

به گفته شمقدری، معاونت سینمایی طرح‌های زیادی برای حمایت از سینمای مستند دارد که البته نیازمند بحث‌های کارشناسی بیشتر است که جزئیات آن منتشر خواهد شد.

او در پاسخ به این سوال که مدیریت جدید سینمایی کشور چه تلاشی برای نمایش فیلم‌های مستند در تلویزیون خواهد کرد، گفت: «با آقای ضرغامی نیز گفت‌وگوها و تعاملات تازه‌ای داشته‌ایم و به ما قول همکاری داده‌اند. بر اساس علاقه دوطرفه‌ای که در این زمینه وجود دارد، قرار شده است این فیلم‌ها نه تنها در شبکه چهار که در بقیه شبکه‌ها هم فرصت نمایش پیدا کنند. ضمن اینکه این امکان فقط برای فیلم‌های برگزیده فراهم نشده، بلکه حتی مستندهایی که تجربه‌های اول کارگردان نیز هستند، می‌توانند از این فرصت استفاده کنند.»

شمقدری به حضور مستندهای جنگی در این دوره از جشنواره اشاره کرد: «متأسفانه سینمای جنگی ما، چه در حوزه مستند و چه در حوزه داستانی به نوعی بایکوت شده است، به دنبال این هستیم که بتوانیم علاوه بر تلویزیون و در سینما، حتی در شبکه‌های خارجی هم، مخاطبانمان را با این سینما آشنا کنیم.» معاون سینمایی ارشاد در پایان اظهار داشت: «برگزاری این جشنواره با ابتدای حضور من در مدیریت معاونت سینمایی و مشغله‌های اولیه هم‌زمان شده است. متأسفانه به همین دلیل نتوانستم در سالن‌های نمایش برای دیدن فیلم‌ها حضور پیدا کنم و با سینماگران به گفت‌وگو بپردازم.»

مستندهای علمی که در جشنواره به نمایش درمی‌آیند، نام پژوهشگاه این سینما به کرات دیده می‌شود، مسئول غرفه این پژوهشگاه درباره حضورشان در سینما فلسطین توضیح می‌دهد: «طی این دو روز، افرادی به ما مراجعه کرده‌اند و ما هم توضیحات لازم و اطلاعات مرتبط با پژوهشکده را در اختیار آن‌ها می‌گذاریم و اگر علاقه‌مند باشند، مدارک عضویت در اختیارشان قرار می‌دهیم. حتی اگر تعداد این افراد از انگشت دست کمتر باشد.»

همچنین کتاب‌های منتشر شده این پژوهشگاه، در محل برگزاری جشنواره معرفی و در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد، علاقه‌مندان می‌توانند با پرکردن فرم‌های مخصوص، این کتاب‌ها را به صورت پستی هم دریافت کنند.

علاوه بر پژوهشگاه این سینما، واحد تولید مرکز سینمای گسترش مستند و تجربی نیز در طول مدت جشنواره این مرکز را معرفی می‌کند. علاقه‌مندان با مراجعه به میز این واحد که در طبقه سوم سینما فلسطین مستقر شده، می‌توانند اطلاعات بیشتری درباره نحوه همکاری‌شان با این واحد به دست آورند. یکی از مسئولان واحد تولید این مرکز درباره شرایط همکاری با این واحد می‌گوید: «تنها کسانی می‌توانند از همکاری و حمایت این واحد برای ساخت فیلم استفاده کنند که پیش از این فیلمی را در یکی از جشنواره‌ها ارائه کرده باشند. هنرمندانی که فیلم‌هایشان مورد پذیرش واحد قرار بگیرد، می‌توانند از کمک‌های مالی مرکز برخوردار شوند.» علاقه‌مندان می‌توانند در صورت داشتن شرایط لازم از اواسط آبان ماه برای همکاری با این واحد به دفتر مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی مراجعه کنند.



دلان می‌خواهد فیلم بسازد؟!!

امسال هم‌زمان با برگزاری سومین دوره از جشنواره فیلم سینما حقیقت و نمایش فیلم‌ها در سه سالن سینما فلسطین، معاونت آموزش و پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، واحد تولید این مرکز و پژوهشگاه این سینما نیز به معرفی خود و عضوگیری در میان علاقه‌مندان سینمای مستند پرداختند.

یکی از میزهای اطلاع‌رسانی جشنواره به پژوهشگاه این سینما تعلق دارد، به قول مسئول غرفه این پژوهشگاه آن‌هایی که طی این چندروز به غرفه مراجعه کرده‌اند، سخت کنجکاو سه جایزه‌ای هستند که توسط این مرکز به سه مستند برتر علمی تعلق می‌گیرد و البته سوال‌هایشان در این زمینه راه به جایی نمی‌برد. در میان



جلال‌الدین رفیع‌فر: مستندساز باید مردم را محترم بشمارد

وقتی با مستندسازان درباره برگزاری جشنواره سینما حقیقت و تاثیر آن بر جریان فیلم‌سازی مستند صحبت می‌کردیم، کارگاه‌های آموزشی را از نقاط قوت جشنواره می‌دانستند و تاکید داشتند مطالب عنوان شده در این نشست‌ها خیلی کاربردی بوده و به‌درشان خورده‌است، از این رو می‌توان برپایی کارگاه‌های آموزشی را یکی بخش‌های مهم و جذاب جشنواره سینما حقیقت دانست که همیشه با استقبال علاقه‌مندان در حوزه‌های مختلف روبه‌رو می‌شود.

اولین کارگاه آموزشی سومین دوره جشنواره صبح دیروز (یکشنبه) در سینما تک مرکز فرهنگی هنری صبا برگزار شد. موضوع این کارگاه اتنوگرافی (انسان‌شناسی) و رابطه آن با سینمای مستند بود و دکتر جلال‌الدین رفیع‌فر، استاد دانشگاه، پیرامون موضوع سخن گفت و در طول جلسه به نمونه‌های موفق فیلم‌هایی اشاره کرد که با محوریت مردم‌شناسی در حوزه سینما مستند ساخته شده‌اند.

او در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به این‌که کار در حوزه مردم‌شناسی خطیر و پر مسئولیت است و هنرمندی که به این حوزه وارد می‌شود، باید به اصول اخلاقی پایبند باشد، توضیح داد: «مستندهایی که با نگاهی انسان‌شناسانه ساخته می‌شود، مشکلات غیر قابل پیش‌بینی دارد چراکه هدف اصلی مردم‌شناس، دقت در امور جاری جامعه و پیش‌بینی مشکلات و پیدا کردن راه حل برای هموار کردن آن‌هاست و ناخودآگاه وارد شدن در چنین حوزه‌ای نیاز به پیگیری‌های مسئولانه و دلسوزانه دارد.»

دکتر رفیع‌فر برای حضور هنرمند در حوزه مردم‌شناسی هم شرایطی را عنوان

کرد: «ورود به حوزه مردم‌شناسی و انعکاس مسائل مربوط به جامعه، مستلزم داشتن روابط نزدیک با مردم جامعه و مطالعه پیرامون مردم یک جامعه، قوم و یا حتی قبیله است. هرگاه مستندسازی که می‌خواهد روایتی از واقعیت‌های مردم جامعه‌اش داشته‌باشد، احساس کند، منافعتش با منافع مردم در تضاد است، باید مستندسازی را متوقف کند. مستندساز باید مردم را محترم بشمارد و همیشه آسیب نرساند به آن‌ها و احترام گذاشتن را اولویت کارهایش قرار بدهد و اگر غیر از این عمل کند نه تنها دردی از دردهای جامعه دوا نکرده بلکه نمک به زخم مردم پاشیده است.»

بنابراین از دیدگاه استاد، رعایت اخلاق، اولویت فیلم‌ساز است اما این همه ماجرا نیست و نکته ضروری دیگر هم در این میان وجود دارد: «اعتماد متقابل میان مردم و مستندسازان از ضروری‌ترین اصول برای ساخت مستندهای انسان‌شناسانه است. ما به‌عنوان مخاطب باید اطمینان کامل به فیلم‌ساز داشته باشیم و از طرفی زمانی که فیلم‌ساز تحقیقات میدانی و تصویری را آغاز می‌کند، باید به گفته‌های مردم و روایت آن‌ها از وقایع اعتماد کند. فیلم‌ساز باید با مردم صادقانه رفتار کند و تنها در این صورت می‌تواند انتظار چنین رفتاری را از مخاطب هم داشته باشد. کسی که قرار است مردم را مورد مطالعه قرار بدهد، باید اهداف مطالعات خود را تمام و کمال برای مردم بازگو کند و منبع خبر حق دارد، ناشناس باقی بماند.»

از نظر دکتر رفیع‌فر چگونگی به‌دست آوردن اطلاعات و بهره‌برداری از آن هم بسیار مهم است: «منابع خبری در فیلم‌های انسان‌شناسانه مردم هستند. آن‌ها اطلاعات را در اختیار فیلم‌ساز می‌گذارند به امید این‌که مشکلی از مشکلات جامعه کم شود اما گاهی فیلم‌ساز از این اطلاعات بهره‌برداری شخصی می‌کند که این کار بسیار ناپسند است.»

از نظر این استاد دانشگاه، فیلم‌ساز در ساخت یک فیلم مردم‌شناسی باید به اندازه نماها هم توجه داشته‌باشد: «در فیلم‌های اتنوگرافی تصاویر باید لانگ‌شات باشد، چرا که نگاه به جامعه نیازمند دید وسیع است و قرار نیست، مخاطب با تعداد زیادی از مردم آشنا شود.»

او همچنین تعریفی از مستند انسان‌شناسانه ارائه داد: «آمیخته‌ای از رویدادها و سنت‌ها و آداب و رسوم مردم در دوره‌های مختلف زندگی که باید قبل از شروع رویداد و بعد از پایان، آن را به تصویر بکشند.»

کارگاه آموزشی انسان‌شناسی، با نمایش مستندی فرانسوی محصول سال ۱۹۹۸ ادامه پیدا کرد که به شیوه زندگی گروهی از مسلمانان مصر پرداخته بود. در پایان جلسه هم حاضران در مورد این فیلم گفت‌وگو کردند.

اسامی فیلم‌های داستانی و مستند بخش مسابقه جشنواره فیلم رضوی

گره (سیدمحمد میرکانی)، گنج‌نهان (رضا کشاورزی)، گنجینه رضوی (عاطفه سادات‌دربندی)، گلهای حرم (سیران علیزاده)، لبخند خدا (بهزاد رسول‌زاده)، میهمان (مجتبی رضوانی)، تقاره (علیرضا قاسم‌خان)، نور مقدس (سعادتعلی سعیدپور)، هشت بهشت (ستاره سماوی)، هفت کوه مراد (فرود عوض‌پور)، هوشیدر (حسن نقاشی)، یا ضامن آهو (حمید هاشم‌زاده).

در بخش جنبی پنجمین جشنواره فیلم رضوی ۲۶ فیلم به نمایش درمی‌آید که فرصتی است برای علاقه‌مندان تا فیلم‌های بسیاری از فیلم‌سازان نام‌آشنا سینمای مستند را مرور کنند: آخرین بخشی (فرشادفداییان)، آستان قدس رضوی (منوچهر طیباب)، آواز جگور (فریدمسعود اسماعیل‌پور)، ابر شهر پیر (خسرو سینایی)، استاد محمد (محمد ترابی)، ایمان (حسین ترابی)، باد صبا (آلبر لامورس)، بازارهای مشهد (پرویز کیمیای)، باغ ملکوت (کیومرث درم‌بخش)، بندهای کهن خراسان (اسماعیل رشیدی)، پنجره ملکوت (ابوالفضل خاکپور)، دوتار (بهزاد تقی‌کهنزاد)، رضای رضوان (مجید مجیدی)، زعفران (ابراهیم مختاری)، سفر به تاریخ (خسرو سینایی)، فرت (عباس مهاجران)، فردوسی و ما (شهرروز توکل)، فردوسی و مردم (حسین ترابی)، مسجد گوهرشاد (پرویز کیمیای)، مشهد (حسین ترابی)، نسیم مولیان (مهدی بمانی)، نقل گردآفرید (هادی آفریده)، ورشرنگ (فرامرز رضائی)، هلال (محمد دستمال‌چیان)، یا ضامن آهو (پرویز کیمیای)، یک شب سرد زمستانی (جمشید مجددی).

پنجمین جشنواره فیلم رضوی ۳۰ مهر تا ۳ آبان، در سینما فلسطین برگزار می‌شود.

اسامی فیلم‌های کوتاه داستانی و مستند راه‌افته به بخش مسابقه پنجمین جشنواره فیلم رضوی اعلام شد. هیات انتخاب و داوری جشنواره فیلم رضوی (محمدرضا شرف‌الدین، رضا میرکریمی، رضا مقصدی، رضا ایران‌منش و محمدرضا سکوت) پس از بررسی بیش از ۱۴۰ فیلم ارسالی به دبیرخانه جشنواره، فیلم‌های برگزیده دو بخش مسابقه فیلم‌های مستند و مسابقه فیلم‌های کوتاه داستانی را انتخاب کردند.

براساس گزارش روابط عمومی جشنواره رضوی از میان فیلم‌های کوتاه داستانی، از میان فیلم‌های مستند ارسالی به بخش مسابقه جشنواره هم ۳۴ مستند انتخاب شده‌اند که تعدادی از آن‌ها در سومین جشنواره سینما حقیقت شرکت کرده‌اند، این فیلم‌ها عبارتند از: اقلیم هفتم (حسن نقاشی)، امامزاده کیاسلطان (علاء محسنی)، این خانه روشن است (محسن رمضان‌زاده)، تا نزدیک آفتاب (وحید چاووش)، تنها تو برای همیشه‌ای (عباس صالح‌مدرسه‌ای)، چراغی که روشن شد (بابک بهداد)، چه سرسبز بود دره ما (فرشته جغتایی)، در این قطعه از بهشت (کار گروهی)، درخت گردو (وحید چاووش)، دروازه ملکوت (منوچهر طیباب)، دستان سبز بلوچستان (محمدعلی هاشم‌زهی)، ده، یک، شصت و یک (علی شاه‌محمدی)، درمانگر (نادیه جعفری)، زیارتگاه زنان در تهران (مریم جان‌بزرگی)، زیباست هنوز... (محمد اسلامی)، سید سلیمان برادر امام‌رضاع) (رحمان امامی - غلامرضا سلمانی)، ضامن آهو (مهدی کوهیان)، عکاسخانه (مصطفی شیری)، غبار حرم دل (امیرحجت صفرلی)، غریب‌تر از بهشت (روح‌اله مولوی)، فصل وصل (پناه‌برخدا رضایی)، کاروان عشق (محمدرضا بحری)،

از برنامه‌های پژوهشگاه در خصوص ساخت فیلم مستند بگویید، دلیل اصلی استفاده از این ابزار اطلاع‌رسانی چیست؟

سینما، به ویژه آثار مستند، ظرفیت بسیار بالایی برای بیان ژرف و دقیق وجوه گوناگون موضوعات دارد. با استفاده از این رسانه، می‌توان حجم عظیمی از اطلاعات را بدون ایجاد ملال و خستگی، به تماشاگر منتقل کرد. با توجه به توانایی سینمای مستند در جذب مخاطب و استفاده از امکانات دیداری و شنیداری برای ساده‌سازی مفاهیم پیچیده و تخصصی، پژوهشگاه ابن‌سینا کوشیده است، همچون مراکز علمی - پژوهشی معتبر جهان، از ظرفیت‌های سینمای مستند برای آشنایی جامعه با دستاوردهای نوین پزشکی و موضوعات حوزه فعالیت خود بهره‌گیرد. افزون بر آن، با ژرف‌نگری در این دستاوردها و فن‌آوری‌ها می‌توان دریافت که این آثار صرفاً جنبه علمی و پزشکی ندارند و پیرامون هر یک از این موضوعات، وجوه متعدد اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و روانی مطرح می‌شوند. از این رو، ضرورت طرح چالش‌های پیرامون این موضوعات و ایجاد بستر فرهنگی مناسب برای پذیرش عمومی این فن‌آوری‌ها آشکار می‌شود. پژوهشگاه ابن‌سینا با توجه به ضرورت‌های یادشده، از سال ۱۳۸۲ همکاری خود را در زمینه ساخت آثار مستند با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سینمای مستند آغاز کرد، تاکنون پنج فیلم را با همکاری این مرکز تولید کرده است و مستند دیگری را نیز در دست ساخت دارد.

فیلم مستند به مثابه یک رسانه تا چه حد در پیشبرد اهداف پژوهشگاه موثر است؟

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، فیلم مستند رسانه‌ای است که ظرفیت عظیمی در انتقال ساده مفاهیم پیچیده و بررسی ژرف و چند وجهی موضوعات دارد. حوزه فعالیت پژوهشگاه ابن‌سینا نیز فن‌آوری‌های نوین پزشکی، به ویژه درمان ناپارووری است که فرصت‌های درمانی متعددی را در اختیار عموم قرار می‌دهد اما به دلیل نوبت بودن، عموم جامعه آشنایی چندانی با آن ندارند و ضروری است که با ساده‌سازی این مفاهیم، جامعه را با آن آشنا کرد. هر یک از این فن‌آوری‌ها

دکتر محمد مهدی آخوندی، رییس پژوهشگاه ابن‌سینا

فرهنگ‌سازی برای پذیرش فن‌آوری

یکی از بخش‌های ویژه و تازه جشنواره امسال، بخش مستندهای علمی و پزشکی است که با همکاری پژوهشگاه فن‌آوری‌های نوین علوم پزشکی جهاد دانشگاهی ابن‌سینا برگزار می‌شود و ۶ مستند علمی پزشکی در آن به نمایش در می‌آید و جوایزی هم به مستندهای برتر تعلق می‌گیرد. به همین بهانه خواستیم با دکتر آخوندی، رییس پژوهشگاه گفت‌وگو کنیم. درخواست ما به دلیل مشغله آقای رییس، به مصاحبه‌ای دیجیتال انجامید، پرسش‌ها را ایمیل کردیم و جواب‌ها از همان طریق به دستمان رسید، آن‌چه می‌خوانید حاصل این رفت و برگشت‌های تکنولوژیک است.

و دستاوردها، چالش‌هایی را در حوزه‌های اخلاقی و حقوقی برمی‌انگیزد که طرح آن‌ها ضروری است. بنابراین، فیلم مستند می‌تواند در پیشبرد اهداف پژوهشگاه، یعنی ارتقای آگاهی عمومی و فرهنگ‌سازی در خصوص حوزه فعالیت پژوهشگاه، بسیار موثر و سودمند باشد.

چرا در میان همه رشته‌های هنری و ابزارهای اطلاع‌رسانی این حیطة را انتخاب کردید؟

فعالیت پژوهشگاه ابن‌سینا برای اطلاع‌رسانی و ارتقای آگاهی عمومی، منحصر به ساخت آثار مستند نیست. پژوهشگاه از تمام امکانات رسانه‌های دیداری و شنیداری و همچنین مطبوعات، برای تحقق اهداف خود بهره می‌برد و می‌کوشد تا تعامل مناسب و مفیدی میان دانشمندان و متخصصان عرصه علوم و پژوهش و اصحاب رسانه برقرار کند. همکاری با رادیو سلامت، همکاری با مطبوعات و ایجاد نشست‌های دوستانه با برنامه‌سازان تلویزیون از جمله این فعالیت‌هاست.

آیا پژوهشگاه در خصوص سرمایه‌گذاری برای ساخت فیلم مستند هم فعال است؟

تمام آثار ساخته شده برای پژوهشگاه ابن‌سینا، یعنی پنج فیلم مستند، با سرمایه‌گذاری مشترک مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و پژوهشگاه تولید شده و پیش تولید مستند ششم نیز آغاز شده است. این آثار با همکاری مرکز گسترش و معرفی فیلم‌سازان علاقه‌مند به موضوعات علمی و پزشکی از سوی این مرکز، تولید شده‌اند.

نحوه تعامل شما با فیلم‌سازان به چه صورت است؟

پژوهشگاه ابن‌سینا امکانات پژوهشی، از جمله کتب و نشریات مرتبط، پژوهش‌های انجام شده درباره موضوع فیلم و امکان گفت‌وگو با متخصصان را برای فیلم‌ساز فراهم می‌آورد. ضمناً، پژوهشگاه ابن‌سینا در تمام آثار ساخته شده، سرمایه‌گذاری کرده است. همواره تلاش بر آن بوده است تا ضمن فراهم آوردن امکانات پژوهشی و در اختیار قرار دادن اطلاعات کافی، استقلال فیلم‌ساز و اثر، در طرح و بازتابی موضوع حفظ شود.

برای نمایش فیلم‌هایی که در این حوزه ساخته می‌شود،

چه برنامه‌هایی دارید؟

تا کنون، آثار ساخته شده در سمینارهای متعددی نمایش داده شده‌اند و همچنین، پژوهشگاه ابن‌سینا کوشیده است امکان پخش آثار را برای متخصصان و دانشجویان این حوزه فراهم آورد. گام اصلی در این زمینه، همکاری در برگزاری بخش مستندهای علمی - پزشکی جشنواره سوم سینما حقیقت است که فرصت مناسبی برای مخاطبان و همچنین مستندسازان برای آشنایی با این آثار و موضوعات فراهم می‌آورد.

این فیلم‌ها قرار است از چه



طریقی و برای کدام گروه از مخاطبان فرهنگ‌سازی کنند؟

سیاست فرهنگی پژوهشگاه ابن‌سینا همواره بر این بوده که آثار مستند به گونه‌ای ساخته شوند که هم برای متخصصان و دانشجویان دارای بار و وجهت علمی - پژوهشی لازم باشد و هم به گونه‌ای باشد که بتواند به سادگی با مخاطب عام ارتباط برقرار کند و در ارتقای دانش و آگاهی آن‌ها موثر باشد.

چه موضوعاتی برای ساخت فیلم در اولویت قرار دارند؟ بر اساس اهداف پژوهشگاه چه حوزه‌هایی در میان مردم نیاز به اطلاع‌رسانی یا فرهنگ‌سازی بیشتری دارند؟

موضوعات مرتبط با حوزه فعالیت پژوهشگاه ابن‌سینا یعنی دستاوردهای نوین پزشکی در حوزه تولیدمثل و سرطان و همچنین فن‌آوری‌های نوین درمان ناباروری، از اولویت‌های پژوهشگاه ابن‌سینا در تولید آثار مستند است. آثار تولید شده پیشین،

به موضوعات مربوط به باروری و ناباروری، مانند سقط جنین، رحم جایگزین و اهدای گامت و جنین پرداخته است. البته، این موضوعات به دلیل نو و چالش‌انگیز بودن، نیاز به

توجه بیشتری دارند و فرهنگ‌سازی در این زمینه، چه در میان عموم مردم، به ویژه زوج‌های نابارور، و چه در میان پزشکان و متخصصان حقوق و اخلاق و... ضروری است. به عنوان مثال،

مسئله ناباروری، صرفاً موضوع پزشکی نیست، مسأله‌ای اجتماعی و فرهنگی است و افزون بر زوج‌های نابارور، خانواده‌های آن‌ها و کل جامعه را نیز درگیر می‌کند و پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری دارد.

از این رو در آثار مرتبط با ناباروری جامعه هدف، مسئولان و متخصصان این حوزه و هم‌چنین زوج‌های نابارور و خانواده‌های ایشان است. از جمله

اهداف دیگر پژوهشگاه، فرهنگ‌سازی در زمینه حفظ باروری است. بسیاری از بیماران مبتلا به سرطان یا مشکلاتی دیگر که قدرت باروری را از بین می‌برند، مانند یائسگی زودرس، می‌توانند پیش از شروع درمان یا ابتلا به مشکل و بیماری، با فریز گامت یا

باقت، قدرت باروری خود را حفظ کنند. این فن‌آوری بسیار جدید است و باید در این زمینه، در میان پزشکان و متخصصان و هم‌چنین بیماران،

مثلاً والدین کودکان مبتلا به سرطان، فرهنگ‌سازی کرد.



تورج ربانی: به استقلال فیلم فکر کردم

«عکس ناتمام؛ بهمن جلالی» به کارگردانی تورج ربانی و عمید راشدی که در جشنواره بیست و هفتم فیلم فجر برنده سیم‌رغ بهترین مستند بلند شد، همان طور که از عنوانش پیداست به زندگی و آثار بهمن جلالی؛ عکاس شناخته شده ایرانی می‌پردازد. اما عکس ناتمام به چه معناست و قرار است از بهمن جلالی و زندگی پرفراز و نشیبش چه نکته‌هایی را برایمان تعریف کند؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها با تورج ربانی تهیه‌کننده و یکی از کارگردان‌های این فیلم، گفت‌وگو کردیم.

پرچهر باقری

پیش از آن‌که درباره فیلم‌تان صحبت کنیم، می‌خواستم، نظر شما را در مورد برگزاری جشنواره سینما حقیقت پرسم و تأثیری که بر جریان سینمای مستند داشته است؟

در حالت عادی من هم باید جمله‌ای را تکرار کنم که همه می‌گویند، خیلی اهمیت دارد. اما در شرایط کنونی و با توجه به مسیری که طی شده، از دو جهت متأسفانه و خوشبختانه می‌توان آن را ارزیابی کرد. خوشبختانه به این دلیل که جشنواره تنها جایی است که فیلم‌های مستند را نمایش می‌دهد و متأسفانه چون مستندساز فقط به جشنواره فکر می‌کند و جایی برای اکران فیلمش غیر از جشنواره ندارد. تعطیلی این جشنواره اصلاً خوب نیست اما باید به اهرم و ابزار برای گسترش سینمای مستند تبدیل شود، در حالی که الان این جشنواره شده هدف فیلم‌ساز. در طول سال تمام فکر فیلم‌ساز این است که یک یا دو فیلم به جشنواره برساند. فیلم من به جشنواره پارسال نرسید، در فاصله بعدی در جشنواره فجر حضور داشت. در فجر هم چون بیشتر آثار سینمایی است، مستند مهجور می‌ماند.

اما فیلم شما جایزه برد و دیده شد...

بحث مخاطب عام هم مطرح است. کسانی که اهل سینما و فیلم دیدن هستند به مستند هم علاقه دارند اما در جشنواره فیلم فجر ترجیح می‌دهند فیلم‌های سینمایی مسابقه ایران را ببینند.

به مشکلات نمایش فیلم‌های مستند و اقیق، از طرفی بعد از اکران «تهران انار ندارد» دیدیم که مردم به این نوع سینما هم به‌ها می‌دهند. فکر می‌کنید، بخش خصوصی و شبکه‌های خصوصی چقدر می‌تواند به حل مشکل نمایش کمک کند؟

شبکه خصوصی می‌تواند به دیده شدن فیلم‌های مستند کمک شایانی کند. آن‌ها قابلیت جذب حامی مالی را دارند، از طرفی در عرصه سینمای مستند مخاطب محدودی داریم. می‌توانیم در تیراژ پایین با رقمی ناچیز پخش خوبی داشته باشیم. همین باعث ایجاد جرات خرید در مردم می‌شود. این کار سطح فکری مردم را بالا می‌برد آن وقت فکر نمی‌کنند، مستند فقط شیر و پلنگ و حیات وحش است. قبلاً در پخش خانگی این موضوع رعایت می‌شد مثلاً به ازای هر ده فیلم خارجی، سه رایت ایرانی داشتیم، حال هم می‌توانند خودشان را مکلف کنند که مثلاً به ازای هر ده فیلم داستانی، یک فیلم مستند به بازار بفرستند و با این حمایت به سینمای مستند کمک بزرگی می‌کنند.

البته از جشنواره‌ها هم گله‌هایی داریم. من تا دو روز قبل از آغاز جشنواره نمی‌دانستم فیلم در جشنواره هست یا نه؟ و اصلاً اولین نمایش فیلم چه روزی است. در جشنواره فجر هم ۱۷ بهمن خبر دادند، اولین نمایش فیلم هجدهم است. فقط چهار نفر در سالن بودند اما در نمایش دوم که بیستم بهمن بود ۱۲۸ تماشاگر داشتیم. توجه کنید در همین زمان کوتاه هم می‌شود، خبررسانی کرد. از طرفی یک کارت شناسایی به ما ندادند و برای ورود مجبور شدم کارت ملی‌ام را نشان دهم. می‌بینید، جشنواره هم با تمام خوبی‌هایی که دارد هنوز با نقص‌های ابتدایی رو به‌روست. مستندساز هم هیچ چشم‌داشتی ندارد، فقط یک برنامه‌ریزی دقیق می‌خواهد.

و در این شرایط شما سرمایه فیلم‌تان را از کجا تامین کردید؟

کاملاً شخصی بوده و خودم سرمایه‌گذاری کرده‌ام. از حمایت مالی هیچ‌کسی برخوردار نبودیم و حداقل حمایت معنوی را داشتیم. بعد از برگزیده شدن در جشنواره فجر پخش فیلم بر عهده مرکز گسترش قرار گرفت.

با وجود همه این مشکلاتی که گفتید، انگیزه‌ای هم برای ادامه راه باقی می‌ماند؟

بگذارید یک موضوعی را بگویم، همه چیز به عشق مربوط می‌شود. من عاشق فیلم مستند هستم. با سرمایه اندکی که داشتیم با وجود مشکلات زیادی که در تولید فیلم با آن روبه‌رو بودیم، شروع کردیم و به هر طریقی بود، آن‌ها را پشت سر گذاشتیم. هر چند در تمام مدتی که مشغول بودیم، ریزنی‌هایی برای جذب سرمایه و حامی مالی فیلم انجام دادم اما در حوزه دولتی و خصوصی هیچ‌کسی راضی به کمک نشد، جز یک سازمان دولتی که آن هم از لحاظ مالی به توافق نرسیدیم. خیلی هم برخوردشان خوب بود اما از لحاظ مالی ما را راضی نکردند و به همین دلیل به جای قبول دریافت رقمی ناچیز، به استقلال فیلم فکر کردم. هر چه باشد «عکس ناتمام؛ بهمن جلالی» اولین فیلم من در سطح حرفه‌ای است.

این سوال را احتمالاً باید اول می‌پرسیدم، ایده فیلم از کجا آمد؟

آقای جلالی در مورد عکاسی ایده‌ای دارند به این معنا که عکس باید ناتمام باشد. یعنی عکس به‌خودی‌خود همه اطلاعات را به بیننده منتقل نکند و بیننده بتواند با رویای خودش عکس را کامل کند. در واقع عکسی خوب است که با مخاطب تمام شود. فیلم در بخش‌هایی به این نظریه می‌پردازد و آقای جلالی در این باره که چرا عکس تمام را دوست ندارد، صحبت می‌کند و نمونه‌هایی را نشان می‌دهد. همچنین اطلاعاتی درباره این‌که از چه زمانی عکاسی به عنوان هنر داخل ایران جدی شد و بعد با حرکت یک نفر عکس از حالت کاربردی به حالت هنری درآمد.

که عده‌ای هم بدون هیچ دلیل موجهی دوست نداشته باشند که تو آن فیلم را بسازی، البته وجود این افراد همیشه انگیزه مضاعفی را برای ادامه فعالیت به من می‌دهد، که جای تشکر هم دارد. برای ساختن چنین فیلم‌هایی بزرگ‌ترین مساله این است که در بعضی مواقع فیلم‌ساز برای فیلم تصمیم نمی‌گیرد، بلکه شخصیت اصلی مسیر تولید فیلم را تعیین می‌کند و فیلم‌ساز باید به خاطر فرآیند جلب اعتماد، صبور باشد و ادامه دهد تا جایی که حتی بتواند جزئی از زندگی آن شخصیت شود. به طور مثال در فیلم شیوه شاغلام تصویربرداری نیمی از صحنه‌های خلوت شاغلام را پس از حدود هشت ماه همراهی با او توانستیم انجام دهیم.

برای تحقیق این فیلم چقدر وقت گذاشتید و چه زمانی کار به پایان رسید؟ قبل از هر چیز چند هفته‌ای به عنوان یک تماشاگر عادی برای دیدن مسابقات تیم فوتبال مقاومت سیاسی شیراز (تیم سابق پیروانی) به استادیوم می‌رفتم تا ضمن آشنایی با حال و هوای مسابقات بتوانم به تدریج فیلم‌ساز را دربار ساختن یا ساختن فیلم غلبه کنم. بعد نوبت آشنایی با شخصیت اصلی فیلم، یعنی آقای غلامحسین پیروانی رسید که باید نسبت به ساخت فیلم رضایت می‌داد و ما هم به ساخت فیلم دربار او به یقین می‌رسیدیم. بالاخره مرحله تولید شروع شد و در طول لیگ برتر فوتبال و بعد از آن، در حدود یک‌سال در مقاطع مختلف تصویربرداری را انجام دادیم، تا این‌که در تیرماه به یک نسخه اولیه از فیلم رسیدیم، چون هنگام فیلم‌سازی برای من مرز زندگی و کار تعریفی ندارد. به هر حال مشکلات زیادی وجود داشت و البته چیزهای زیادی یاد گرفتیم.

ساخت فیلم مستند در ایران چه مشکلاتی دارد؟ داشتن یک تهیه‌کننده فهیم و با تجربه نیمی از موانع را برمی‌دارد، اما ترجیح می‌دهم اظهار نظر و قضاوت بیشتر در این باره را به اساتید و صاحب‌نظران سینمای مستند ایران واگذار کنم، درعین حال نمی‌توانم احساس بد خود را از فضای مشوش سینمای مستند این روزهای ایران پنهان کنم که امیدوارم عمر این احساس بسیار کوتاه باشد.

جشنواره سینما حقیقت و جشنواره‌هایی مثل آن را برای بهبود وضعیت سینمای مستند موثر می‌دانید؟

فکر می‌کنم هر حرکت سنجیده برای سینمای مستند به طور قطع مؤثر است اما بزرگی می‌گوید: «حقیقت نیازمند مدرک، تنها نیمی از حقیقت است.»

چطور شد از میان این همه شخصیت فوتبالی سراغ غلامحسین پیروانی رفته‌اید، چون همشهری بودید؟

به چند دلیل روشن. اول اینکه همیشه گفتن درباره انسان و روابط اجتماعی‌اش برایم جذاب بوده‌است و سعی کرده‌ام در ساخت بیشتر فیلم‌هایم این موضوع را مد نظر قرار دهم. دوم اینکه درباره هر انسانی می‌توان ساخت. اما برای ساخت یک فیلم مستند قابل تأمل و در عین حال جذاب، قطعاً باید سراغ یک انسان متفاوت و با انگیزه رفت. حتی اگر فردی گمنام و ناشناخته باشد. غلامحسین پیروانی با شیوه و دیدگاه ویژه خود در زندگی، می‌توانست شخصیت فیلم جدیدم باشد و این را هم خوب می‌دانستم که به واسطه شغل او، بستر پرکشش و داراماتیکی را برای بیان فیلم در اختیار دارم و سوم اینکه آقای پیروانی همشهری من است. غلامحسین پیروانی به دلیل سادگی و صداقتی که دارد، پیش از اینکه یک مربی معروف باشد یک انسان مردمی و محبوب است که خارج از فضای فوتبال هم طرفداران زیادی دارد. به همین دلیل مستند شیوه شاغلام درباره یک انسان است نه یک مربی فوتبال.

چرا عنوان شیوه شاغلام را برای فیلم انتخاب کرده‌اید؟

تلفظ روان و شکل مناسب عنوان فیلم ظاهر ماجراست، فکر می‌کنم هر مخاطب، پاسخ اصلی این سوال را با دیدن فیلم درمی‌یابد و اصولاً قرار نیست که فیلم‌ساز عنوان یا هر بخش دیگری از فیلم را رمزگشایی کند. هر فیلم پس از ساخته شدن، خودش باید از پس ارتباط با تماشاگرش برآید.

اصولاً ساخت مستند از آدم‌های معروف کار راحتی است؟

تا به امروز گمان نمی‌کنم فیلمی راحت ساخته شده باشد. روند تولید یک فیلم، در هر نوع و زمانی که بگنجد، سختی خاص خود را دارد. چه برسد به این

امید عبداللهی: تهیه‌کننده فهیم نیمی از موانع را برمی‌دارد

فوتبال جزء لاینفک زندگی امروز است، چه خودش، چه حاشیه‌هایش، چه آدم‌هایی که با آن مرتبط هستند؛ از فوتبالیست‌ها تا مربیان. این جذابیت به دنیای مستند هم راه پیدا کرده‌است و تاکنون در سراسر دنیا و ایران فیلم‌های مختلف و متفاوتی درباره این ورزش همه‌گیر ساخته شده‌است. مستند نیمه بلند «شیوه شاغلام» به کارگردانی «امید عبداللهی» هم یکی از این فیلم‌ها است، این مستندساز جوان سراغ یکی از پیشکسوتان این ورزش رفته، غلامحسین پیروانی که از شخصیت‌های جذاب دنیای فوتبال به شمار می‌آید و البته همشهری کارگردان است.

طاهره رحیمی

امیررضا سالاری: مشکل اصلی همچنان تامین منابع مالی است

را در بر می‌گیرد. در فیلم به وجه تسمیه «صاحبقرانیه» هم پرداخته شده است. در زمان‌های قدیم از روی طالع افراد و حرکت ستارگان پیش‌بینی می‌کردند که مثلا فردی که در چنین روزی به دنیا می‌آید، دارای طالع سعد و سرآمد قرن و دوره خود می‌شود. او را «صاحبقران» می‌نامیدند. ناصرالدین شاه هم در سی‌امین سال سلطنتش خود را صاحبقران سلطنت نامید. زیرا در آن زمان ۳۰ سال يك قرن به حساب می‌آمد. این شاه قاجاری پس از این که خود را به این نام نامید، سکه زرینی در تبریز با عنوان «سلطان قاضی صاحبقران» ضرب کرد و از همان زمان «قران» یکی از واحدهای پولی ایران می‌شود. همه چیز در درون کاخ اتفاق می‌افتد یا به محوطه اطراف هم در فیلم پرداخته می‌شود؟

به دلیل اینکه کاخ در منطقه نیاوران قرار دارد، به بخشی از تاریخ نیاوران هم اشاره شده است. نام قدیم نیاوران، «دادوی» یا «دادیه» بوده، زمانی که فتحعلی‌شاه به تهران می‌آید، متوجه می‌شود، خوش آب و هواترین نقطه تهران است و نی‌های زیادی هم دارد. به همین دلیل از آن پس آنجا را «نی‌آوران» می‌نامند و کم‌کم در زبان مردم به «نیاوران» تغییر می‌کند. بعد از آن هم فتحعلی‌شاه دستور می‌دهد در آنجا عمارتی برپا کنند. تا قبل از ناصرالدین شاه شاهان قجری در منطقه باغ فردوس سکونت داشتند، اما ناصرالدین شاه به این دلیل که در آنجا شاهی مرده بود، این منطقه را برای حکومتش بدشگون می‌داند، بنابراین تصمیم می‌گیرد ۵۰ کاخ در نیاوران بسازد. یکی از این کاخ‌ها «جهان‌نما» نام می‌گیرد، چون از آنجا تهران تا حرم «شاه عبدالعظیم» مشخص بوده و همان طور که گفتیم در سی‌امین سال سلطنتش آنجا را صاحبقرانیه می‌نامد. موضوع خیلی گسترده‌ای است، چه مدت صرف تحقیق درباره موضوع فیلم شد؟

تحقیق برای این فیلم حدود چهار سال طول کشید و اتفاقا تحقیق بسیار جامعی هم از آب درآمد و نگارش متن را نیز استاد «جلال‌الدین کزازی» بر عهده داشت.

چه مدتی صرف ساخت فیلم شد؟

به دلیل اینکه می‌خواستیم عمارت را در چهارفصل داشته باشیم، فیلم برداری تقریبا يك سال طول کشید و کار فیلم در نهایت در سال ۸۷ تمام شد. اگر زمان تحقیق را هم اضافه کنیم، حدود پنج سال برای فیلم وقت گذاشته‌اید. هیچ نهادی از فیلم حمایت نکرد؟

نه متأسفانه. با اینکه موضوع فیلم کاملا در مورد میراث فرهنگی بود، هیچ نهادی از ما حمایت نکرد. اتفاقا ساخت فیلم هزینه زیادی هم در برداشت. فکر می‌کنید، مشکلاتی که مستدسازان ایرانی با آن روبه‌رو هستند، چه مواردی است؟

مشکل اصلی تامین منابع مالی است. زمانی که فیلم مشکل مالی داشته باشد، اولین ضربه متوجه کیفیت فیلم می‌شود. ما هیچ نهادی نداریم که از فیلمسازان مستقل حمایت کند.

در اختر سعد در سی‌امین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در امتداد هم قرار می‌گیرند و این می‌شود که معروف‌ترین شاه قجری، «سلطان صاحبقران» نام می‌گیرد. به نام او سکه ضرب می‌کنند و کاخ جهان‌نما به این نام تازه مزین می‌شود. از این پس این کاخ می‌شود، مرکز هنر‌نمایی هنرمندان آن عصر و از تابلوهای مینیاتور تا میناکاری‌های کرسی‌خانه در همین کاخ جا خوش می‌کنند. «امیررضا سالاری»، با نخستین مستندش «صاحبقرانیه» به سراغ این کاخ و هنر‌نمایی‌های داخل آن رفته است.

درباره فیلم کمی توضیح دهید.

این فیلمی است درباره هنرهای ایرانی و کاربرد آن در زندگی ایرانیان که به نوعی به تاریخچه این هنرها تا دوره قاجار می‌پردازد. فیلم، شامل چه هنرهایی می‌شود.

تقریبا شامل تمام هنرهاست. از سجاده دوزی، فرش بافی، پته دوزی، نگارگری، نقاشی، مینیاتور، هنر سوخت چرم، خوشنویسی و معماری تا هنرهای دیگری که بسیار کاربرد داشته‌اند.

در واقع بیشتر به هنرهای سنتی پرداخته‌اید؟

نه. ممکن است که دقیقا بخشی مثلا با عنوان موسیقی ایرانی در فیلم نداشته باشیم، اما در متن فیلم از موسیقی دوره قاجار استفاده شده یا ادبیاتی که در فیلم استفاده شده و آقای کزازی این کار را انجام داده‌اند، ادبیات سره فارسی است. یا مثلا ممکن است ما به خود تاریخچه عکس نبرداخته باشیم، اما وقتی به عکس‌های دوره مشروطه یا عکس «ناصرالدین شاه» که زیر آن نوشته است: «در نیاوران خودم انداخته‌ام.» به این موضوعات هم پرداخته می‌شود.

برای بررسی هنرهای ایرانی نقطه شروع را چه زمانی قرار داده‌اید؟

برای پیدایش هنرها نمی‌توان زمان مشخصی تعیین کرد، زیرا منابع تاریخی معتبر و دقیقی در این زمینه وجود ندارد. داستان هر يك از این هنرها در يك جایی از داستان شروع می‌شود و خط روایی خود را طی می‌کند تا به دوره قاجار می‌رسد.

چرا انتهای کار را دوره قاجار قرار دادید؟

می‌توان گفت از بعد از دوره قاجار يك نوع زوال در هنرهای ایرانی رخ می‌دهد که شاید ناشی از ورود هنرهای مدرن به کشور باشد که ورود آن‌ها از دوره پهلوی کم‌کم شروع شده است. به همین دلیل هم هست که عنوان صاحبقرانیه، یکی از بناهای دوره قاجاری، برای فیلم انتخاب شده است؟

این کاخ، از آخرین بناهای دوره قاجار است که هنوز هویت ایرانی خود را حفظ کرده است.

در واقع محور کار عمارت صاحبقرانیه و آن چیزهایی است که در درون این بنا قرار دارد و بخش زیادی از تاریخ ما



منوچهر مشیری : انگیزه اصلی تجلیل موسیقی اصیل ایران بود

گویا در این سال‌ها زندگی بزرگان و مشاهیر ایران، بیشتر از موضوعات دیگر توجه‌تان را جلب کرده است؟
از سال ۱۳۷۲ به بعد به ساخت مستند درباره شخصیت‌های فرهنگی، هنری، علمی و ادبی ایران علاقه‌مند شدم. اولین مستند هم درباره نیما یوشیج بود. چرا نیما را انتخاب کردید؟
یک روز داشتم روزنامه‌های صبح را ورق می‌زدم که در صفحه اول همشهری خبری درباره انتقال پیکر نیما به بوش خواندم که قرار بود بنا بر وصیت خودش بعد از ۳۴ سال در زادگاهش به خاک سپرده شود. گویا در زمستان سال ۱۳۳۸ راه‌ها صعب‌العبور بود و مجبور شده بودند، نیما را در امامزاده عبثا به خاک سپارند و مسایل شرعی هم اجازه نمی‌داد تا سی سال جسد را به بوش منتقل کنند. بر این اساس فیلمی ساختم به نام «دنیا خانه من است» و این ماجرا ادامه پیدا کرد تا رسیدم به استاد امیرجاهد و شانزدهمین فیلم را درباره او ساختم.

از کارنامه منوچهر مشیری و مستند شازنده قسمتی‌اش درباره فرزندان ایران این‌طور برمی‌آید که به ثبت زندگی و کوشش‌های بزرگانی که در این سال‌ها زیستند و هریک بخشی از تاریخ و فرهنگ معاصر ایران را رقم زدند، علاقه خاصی دارد. این بار او به سراغ زندگی استاد محمدعلی امیرجاهد، موسس اولین هنرستان موسیقی ایران و یکی از اضلاع مثلث طلایی تصنیف ایران در کنار علی‌اکبر خان شیدا و عارف قزوینی رفته، حاصل کار مستند نیمه بلند «هزار داستان امیرجاهد» است.

با توجه به این‌که حدود ۳۲ سال از مرگ استاد امیرجاهد می‌گذرد، ساخت این فیلم دشوار نبود؟
ایران، ناشناخته مانده است. با توجه به این‌که حدود ۳۲ سال از مرگ استاد امیرجاهد می‌گذرد، ساخت این فیلم دشوار نبود؟
ایجاد ارتباط برای پیدا کردن اطلاعات درباره او خیلی سخت بود. تحقیق هم مشکل بود، به عنوان مثال یک سال دوندگی کردیم تا توانستیم در ساختمان اتحادیه صنف خیاط‌ها که در گذشته هنرستان موسیقی بود، فیلم‌برداری کنیم.

کل کار چه قدر زمان برد؟
اولین سکانس را سال ۱۳۸۲ فیلم‌برداری کردیم، چون به فیلم‌هایی از خانه قدیمی امیرجاهد احتیاج داشتیم و قرار بود این خانه به شهرداری تحویل شود. به همین دلیل آن یک سکانس را گرفتیم اما کار اصلی ماند برای سال ۱۳۸۵ که به طور مستمر مشغول آن بودیم و با همکاری خانواده ایشان کار تکمیل شد.

هزار داستان امیرجاهد، درباره این شخصیت و تمام فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی اوست اما انگیزه اصلی تجلیل موسیقی اصیل ایران بود.
منابع تحقیق تان چه بود؟
مرحوم امیرجاهد سالنامه‌ای را بنیان نهاده بود به نام سالنامه پارس که بخش عمده‌ای از اطلاعات از طریق دسترسی منابع تحقیق تان چه بود؟

به این منبع تأمین شد، دیوان‌های امیرجاهد و بریده‌های جراید دیگر منابع پژوهشی بود، علاوه بر این از مشورت آقای علیرضا میرعلی‌نقی هم بهره گرفتیم. این مرحله برایمان بسیار مهم بود، سعی کردیم بر اساس درامی که طراحی شده بود، پژوهشی نظام‌مند انجام دهیم به همین دلیل پژوهش باز نبود، فقط اطلاعات مورد نیاز طرح را جمع‌آوری کردیم و بعد از آن مرحله چیدن اطلاعاتی انجام شد.
نمایش از تلویزیون مطلوب‌ترین شکل نمایش آثار مستند کدام است؟
داریم و نه سیاستی کلان برای انعکاس حالت ممکن است، چون تلویزیون خاستگاه مستند است، ما نه سالن اختصاصی ارزشمندی که ساخته می‌شوند از آن‌جا که مجال برای نمایش در تلویزیون تنها مجرا است اما مستندهای بسیار در دو دوره گذشته مهم‌ترین اتفاقی که افتاد، انعکاس آثار کمبودهای سینمای مستند کم کرده است؟
مستندسازان حرکشان را برای جشنواره‌های تخصصی ادامه دهند.

فکر می‌کنید جشنواره سینما حقیقت چیزی از انبوه مشکلات و کمبودهای سینمای مستند کم کرده است؟
مستندسازان حرکشان را برای جشنواره‌های تخصصی ادامه دهند.



مهدی شاه‌محمدی: آرشیو مناسبی از تصاویر دفاع مقدس نداریم

موضوع جنگ و دفاع مقدس، باعث شده که موضوع دفاع مقدس هنوز هم مورد توجه فیلم‌سازان باشد.

بله سینمای دفاع مقدس که ترجیح می‌دهم به عنوان سینمای جنگ از آن نام ببرم، حامی دارد و به همین دلیل هم علاقه نسبت به آن وجود دارد. اما این ماجرا حداقل در مورد من صادق نیست، من فقط به دلیل اینکه تا به حال کار جنگی کرده بودم، این موضوع را ادامه دادم.

به نظر می‌آید، ساخت مستند جنگی با توجه به آرشیوی که از تصاویر مربوط به جنگ وجود دارد، کار مشکلی نباشد.

در حوزه سینمای جنگ و دفاع مقدس کارهای مستند زیادی ساخته شده و همان طور که گفتید باید تصاویر زیادی هم از آن‌ها موجود باشد، سپاه هم بخش زیادی از این فیلم‌ها را جمع‌آوری کرده که به بخش آرشیو فیلم‌های دفاع مقدس منتقل شده‌است. اما متأسفانه این آرشیو آن قدر بد دسته‌بندی شده که شما اصلاً نمی‌توانید تصاویری را که می‌خواهید به راحتی پیدا کنید، با اینکه مطمئن هستید، آرشیو آن‌ها موجود است. به نام عملیات یا افراد جست‌وجو می‌کنید، اما نتایج درست و دلخواه به دست نمی‌آید. علاوه بر این آرشیو آنقدر بد نگهداری می‌شود که نسخه‌های ویدئویی معمولاً فاقد کیفیت هستند و نگاتیو و پوز تیره‌هایی که در انبار هستند وضعیت خوبی ندارند و فکر می‌کنم تا ۳۰ سال دیگر چیز زیادی از این آرشیوها باقی نماند. تنها همین موسسه روایت فتح، آرشیو خوبی دارد که فقط هم با خودشان کار می‌کنند.

سفر به مناطق جنگی هم نمی‌تواند چندان کمکی بکند؟

اگر مربوط به رویدادهای پس از جنگ باشد، چرا می‌توان به این مناطق سفر کرد. اما خوب منطقه جنگی بازسازی شده‌اند و تنها همین آرشیوهای موجود می‌تواند کمک کند.

با این اوصاف، فکر می‌کنید اصلی‌ترین مشکل مستندسازان سینمای دفاع مقدس چیست؟

در حوزه سینمای مستند جنگی فیلم بسیار زیاد ساخته شده است اما کسانی هم هستند که کار ویتربینی انجام می‌دهند، کمی می‌کنند و فقط زمان فیلم را پر می‌کنند این فیلم‌ها بیشتر در تلویزیون نمایش داده می‌شوند و به همین دلیل، کسی که پای تلویزیون نشسته تا می‌بیند فیلمی درباره جنگ است، کانال را عوض می‌کند. در واقع اصلی‌ترین مشکل در این زمینه مخاطب است.



مستندهای جنگی سند بی‌بدیلی از دورانی است که همه ارکان یک کشور را تحت تاثیر خود قرار داده و در تمام دنیا این‌گونه مستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نبرد فو مستندی ۲۵ دقیقه‌ای درباره عملیات والفجر ۸ و اتفاقی‌هایی است در حاشیه رود اروند به کارگردانی مهدی شاه‌محمدی. شاه‌محمدی که تاکنون ۴۴ مستند جنگی را کارگردانی کرده‌است، عقیده دارد تصاویر خوبی از زمان دفاع مقدس در آرشیوهای فیلم مثل صدا و سیما وجود دارد، اما به دلایل مختلف این تصاویر مناسب حال تمام مستندسازان این حوزه نیست، درباره وضعیت این آرشیوها با او گفت‌وگو کرده‌ایم.

چرا از میان این همه موضوع حوزه سینمای مستند به سراغ مستند جنگی رفتید؟

از سال ۷۹ وارد هنرستان «روایت فتح» شدم و تا سال گذشته هم در همان‌جا فعالیت می‌کردم. برای همین با موضوع جنگ بسیار آشنا بودم. از آنجا هم که بیرون آمدم، همین کار را ادامه دادم.

امروز این ذهنیت وجود دارد که حمایت نهادهای رسمی و دولتی از

علی حمید: فیلم می‌توانست بلندتر باشد

گرفتن تصاویرهای آرشیوی مجبور شدم، سراغ خانواده‌های شهدا بروم و فیلم را توانستم به خاطر ارتباطم با تعدادی از جانبازان و رزمندگان بسازم.

چرا سال‌هاست در این حوزه فیلم می‌سازید؟

من فرزند شهیدم و به خاطر محیطی که در آن بزرگ شدم و تصاویری که از زمان کودکی دیدم، راغبم دیده‌هایم را در قالب فیلم به مردم ارائه بدهم. درست است که در دانشگاه سینما نخوانده‌ام اما بیشتر از یک دانشجوی سینما سر کلاس‌های سینما حاضر شده‌ام.

چرا این مستند را بلند کار نکردید؟ تاریخچه شهری چون خرمشهر ظرفیت بیشتر از این‌ها را دارد.

بله، خصوصاً این‌که سرگذشت خرمشهر را در این فیلم از زمان تأسیس به دست عشایر بنی کعب تا فتح آن به دست رزمندگان اسلام دنبال می‌کنیم. مدت فیلم ۵۷ دقیقه بود می‌توانست بلندتر هم بشود اما به خاطر عدم همکاری مجبور شدم، پانزده دقیقه از فیلم را کوتاه کنم. با چنین شرایطی مسلماً امکان ساخت فیلم بلند وجود نداشت.

کار بعدیتان هم در حوزه دفاع مقدس است؟

این بار سراغ شخصیت‌های سیاسی ایران قبل از انقلاب رفتم افرادی چون بازرگان، شهیدبهنستی، شهیدرجایی. این مجموعه قرار است دهه فجر پخش شود.

اینکه بخواهی مستندی از تاریخ شهری با فراز و نشیب‌های فراوان بسازی و قرار نباشد تصویری از امروز این شهر به آن اضافه کنی، طبیعتاً پیگیری‌های فراوانی را در حوزه تصاویر بایگانی شده در صدا و سیما می‌طلبد. علی حمید مستندساز جوان در ششمین تجربه جدی خود، در مستند نیمه بلند «خرمشهر شهری در آسمان» به این شهر می‌پردازد. آخرین مستند او، پشت صحنه فیلم اتوبوس شب بود که بیشتر به شخصیت و وضعیت جسمی خسرو شکیبایی می‌پرداخت.

الهام نداف

شما که متولد و ساکن تهران هستید، چطور شد، سراغ تاریخچه خرمشهر رفتید؟

اصلیت من آبادانی است و سال‌ها با روایت فتح کار می‌کردم و همیشه علاقه‌مند بودم، تصاویری را که از خرمشهر وجود دارد کنار هم جمع کنم و در قالب مستندی ارائه بدهم. البته بخشی از این تصاویر را پیش از این دیده‌بودم.

به این تصاویر دسترسی داشتید؟

متأسفانه از سختی‌های کار ما عدم همکاری‌ها بود. ناچار برای ساخت فیلم و



قلب من پر از عروسک است

مستندی که تنها بر موضوع متکی نیست

سحر عصر آزاد

برای ساخت آن‌ها وقت گذاشته - به گونه‌ای مانع از تخت شدن این مستند شده است.

جایی که غریب‌پور از علاقه‌اش به تهمنیه و چگونگی رسیدن به چهره او می‌گوید (چهره‌ای که خداوند برای غصه همیشگی آفرید) از جمله لحظات منحصر به فردی است که مطمئناً از میان گفت‌وگوهای طولانی او گلچین شده و اهمیت قرار گرفتن در فیلم را دارد.

همچنین این مستند در کنار ثبت پاسخ کارگردان برای پرسش‌های تخصصی‌تری چون چرایی انتخاب ریسک عروسک نخی برای اجرای اپرا، تلاش کرده به این پرسش نیز پاسخ دهد که چرا لوریس چکنواوریان برای ساخت این اپرا انتخاب شده؟ و چرا این موسیقی اصلاً ایرانی نیست؟

اشاره به نکاتی کلیدی چون انتخاب ۱۵۰ بیت از میان ۱۵۰۰ بیتی که اصل داستان «رستم و سهراب» بوده و همچنین ماندگاری این مصرع در ذهن مخاطب نمایش (کدامین پدر این چنین کار کرد؟)، از جمله نقاط برجسته‌ای هستند که حرف‌های غریب‌پور را در میان اجرای صحنه‌ای و پشت صحنه نمایش جذاب می‌کند.

مستند «قلب من...» به مدد تدوین هوشمندانه نازنین مفخم، جذابیت بالقوه موضوع محوری و کارگردانی کلاتری که به خوبی توانسته از حجم فیلم‌ها و اطلاعات موجود به اثری سر و شکل‌دار برسد، می‌تواند مخاطب خاص خود را و رای علاقه‌مندان به نمایش داشته باشد که در جای خود اهمیت دارد.

اپرای عروسکی «رستم و سهراب» به کارگردانی بهروز غریب‌پور موضوع محوری مستندی است ساخته سام کلاتری با عنوان «قلب من پر از عروسک است».

کلاتری مدت زمان ۳۰ دقیقه را به این مستند اختصاص داده تا با نمایی از تاثیرگذاری اجرای این نمایش در خارج، خط داستانی را دنبال کند. فیلم با افتتاحیه نمایش آغاز می‌شود که یک ویژگی مهم دارد.

افتتاح دو سالن در تهران و دوبی همزمان با اجرای این اپرای عروسکی ویژگی مهمی است که فیلم‌ساز با محور قرار دادن آن، خطی داستانی را در مستندش پیگیری می‌کند. در واقع چگونگی تبدیل شدن یک سالن خرابه به تالار فردوسی تهران که برای اجرای این نمایش آماده شده و سپس اجرای نمایش و ویژگی‌های مضمونی و اجرایی آن خط اصلی این مستند است.

در بخش بازسازی سالن که ۲۰ روز به طول انجامیده، ایجاز موجود توانسته شرایط حال و گذشته را در کنار هم قرار داده و این نمایش را از وجهی خاص مورد توجه قرار دهد.

در این میان گفت‌وگوهای تقطیع شده غریب‌پور درباره پیشرفت کار، پرده‌برداری از عروسک‌ها، نقطه نظرانش در خصوص نمایش و پاسخ‌هایش به برخی انتقادات در لابه‌لای این تصاویر قرار گرفته تا فیلم روندی یکسویه نداشته باشد.

بخش‌هایی از اجرای صحنه‌ای نمایش در کنار حس و حالی که کارگردان به‌خصوص درباره عروسک‌های دست‌سازش دارد ۱۰۰- عروسکی که دو سال

عکس ناتمام

بومی ماندن و جهانی شدن

مازیار فکری ارشاد

تمام عیار تحسین می‌کند. بعد تصاویری از پروژه عکاسی خانه صادق هدایت و سرنوشتی که بر این خانه رفته، می‌بینیم. ناگاه جلالی در میانه فیلم برمی‌آشوبد و از سخن گفتن درباره هدایت به دلیل نسبت خانوادگی طفره می‌رود.

در ادامه به بخش مهمی از دوران عکاسی جلالی یعنی روزهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسیم و عکس‌های مهم او از آن دوران را می‌بینیم. جلالی در این بخش بر موضوع حذف عکاس از زمینه و پس زمینه عکس و بحث عکاس در جایگاه مولف اثر هنری تاکید می‌ورزد.

در بخش بعدی به جنگ ایران و عراق و عکس‌های جلالی از روزهای جنگ می‌رسیم که فیلم در اینجا شبیه یک مصاحبه ژورنالیستی عمل می‌کند. پروژه بوشهر سال ۸۶ و همراهی دوربین با جلالی حین عکاسی از کوچه پس‌کوچه‌های شهر و بعد تعدادی از فریم‌های گرفته شده را به تماشا می‌نشینیم.

سپس نوبت به مجموعه کولازهای عصر قاجار مربوط به مجموعه تصویر خیال می‌رسد. جایی که رویکرد ویژه جلالی به عکس و عکاسی بررسی می‌شود.

در بخش نهایی جلالی مشغول آماده‌سازی عکس‌های نمایشگاهی انفرادی است که با عنوان «به احترام تاریخ ۱۶۵ ساله عکاسی ایران» در سال ۸۶ به نمایش درآمد. فیلم حالات خصوصی عکاس، چون خشم، غم، شادی و سرگشتگی را با ظرافت به تصویر کشیده است. «عکس ناتمام؛ بهمن جلالی» اثر کامل و جامعی نیست، اما به‌طور قطع تصویری شفاف‌تر از گذشته یکی از چهره‌های مهم فرهنگ و هنر معاصر ایران به دست می‌دهد.

«عکس ناتمام» را به‌دشواری می‌توان در رده مستندهای زندگی‌نامه‌ای درباره یک شخصیت فرهنگی جای داد. اما این فیلم مستند می‌کوشد در حد امکان و توان به تمامی زوایای زندگی یکی از نامدارترین عکاسان ایرانی بپردازد. فیلم با متنی نوشتاری، فرازهایی از زندگی بهمن جلالی را به تماشاگر معرفی می‌کند. سپس جلالی کارنامه دوره دبیرستان خود را که نمرات چندان درخشانی هم در آن به چشم نمی‌خورد، می‌خواند. بهمن جلالی روی تصاویری از کلکسیون دوربین‌های عکاسی‌اش از شوق خود نسبت به عکاسی می‌گوید.

در ادامه جلالی زندگی‌نامه خود را که با تدوینی موازی روی برخی از عکس‌های مهمی که گرفته بازگو می‌کند. اینکه چرا عکاسی اجتماعی را به عنوان رویکردی متأثر از جریانات چپ دانشجویی در پیش گرفته و دنیا را از دریچه لنز دوربین چگونه می‌بیند. در اینجا لحن فیلم زیاده از حد ستایش‌گر است و گویی فیلم محو سوژه خود شده است.

پس از نمایش تصاویری از نمایشگاه مرور آثار جلالی در پارسلون به سال ۱۳۸۶، وارد جنبه‌های تازه و کمتر اشاره شده از زندگی جلالی یعنی نسبت دور خانوادگی‌اش با صادق هدایت می‌شویم. جلالی، هدایت را به‌عنوان روشنفکری



هزارداستان امیر جاهد

مستندی شخصیت محور که گاه از مسیر خارج می شود

مازیار فکری ارشاد

«هزار داستان امیر جاهد» مستندی ساده و فاقد پیچیدگی است که به زندگی و آثار تصنیف‌ساز قدیمی و معتبر موسیقی ایران، امیر جاهد می‌پردازد. کاملاً مشخص است که فیلم‌ساز به واسطه شور و علاقه بی‌حد به موسیقی اصیل ایرانی و به آثار مرحوم امیر جاهد، بی‌آنکه به ظرفیت‌های متنوع و وسیع مستندسازی بیندیشد، دوربینی برداشته و بدون هیچ طرح و پیرنگی، بی‌واسطه به سراغ موضوع رفته است.

فیلم به شیوه کلاسیک می‌خواهد در شروع کار و برای طرح و گسترش موضوع، نقی به تاریخچه تصنیف‌سازی و موسیقی ایرانی بزند. شیوه پردازش موضوع همچنان در مراحل اولیه می‌ماند که فیلم بحث تفاوت‌های ترانه و تصنیف و برشمردن این وجوه تمایز را مطرح می‌کند.

در ادامه بخشی از روایت فیلم به خاطره‌گویی دو دختر سالخورده و خواهرزاده مرحوم امیر جاهد اختصاص می‌یابد. همراه با این روایت‌ها، گروهی از اساتید و کارشناسان موسیقی ایران، همچون داریوش طلایی، فرهاد فخرالدینی، زنده‌یاد خاطره پروانه و علیرضا میرعلی تقی روی عکس‌هایی قدیمی و همچنین نمایش دیوان زنده‌یاد امیر جاهد و قرائت بخش‌هایی از دفترچه خاطرات او، نقش تاثیرگذارش را بر جریان تصنیف‌سازی و اساساً آنچه امروز موسیقی اصیل ایرانی خوانده می‌شود را بررسی می‌کنند.

فیلم می‌کوشد علاوه بر پیشگامی و تبحر امیر جاهد در بحث موسیقی آوازی ایران، از طریق بازگویی سابقه روزنامه‌نگاری و حضور در عصر پرتلاطم مشروطه، وجه وطن‌دوستی آن مرحوم را پررنگ‌سازد و با اشاره به ساخت تصانیف ملی و میهنی، نقش او در قامت یک مصلح اجتماعی و فرهنگی را نیز تبیین کند که با توجه به زندگی جاهد کاملاً قابل‌باور است. تصویری که مستند منوچهر مشیری از زنده‌یاد امیر جاهد ارائه می‌دهد، در کنار استادی مسلمش در حوزه سیاسی، نشانی از یک فعال سیاسی و اجتماعی دارد که فیلم را از قالب مستندی تاریخ‌نگارانه و محض در باب موسیقی ایرانی خارج می‌سازد. «هزار داستان امیر جاهد» با نمایش گوشه‌هایی از کلاس‌های داریوش طلایی و ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی در کنار گفتارهای این دو درباره نقش و تاثیر امیر جاهد در تصنیف‌سازی، روایتی از دوران درخشان و سپری شده موسیقی اصیل ایرانی را ارائه می‌دهد. این روایت با حضور دوربین در محل سابق هنرستان آزاد موسیقی تهران - که امروز به اتحادیه صنف خیاطان بدل شده - و نیز نمایش نماهایی از منزل متروک امیر جاهد تکمیل می‌شود.

در پایان نیز تصاویری کوتاه از زنده‌یاد امیر جاهد در سال‌های پایانی عمر زینت‌بخش و تکمیل‌کننده وجه مستند شخصیت محور «هزار داستان امیر جاهد» ساخته منوچهر مشیری است.

خرمشهر، شهری در آسمان

تصاویر دیده نشده

علی اصغر کشانی



«خرمشهر، شهری در آسمان» مستند علی حمید به تهیه‌کنندگی امیر بنان، محصول گروه حماسه دفاع شبکه اول سیما است، مستندی نیمه بلند با زمان ۴۱ دقیقه است. فیلمی گفتار محور با وجوه پژوهشی، تحقیقی و جنبه‌های مبتنی بر آرشیو. حمید براساس اسناد مدارکی که در اختیار داشته و قطعا در صورتی که سازمانی غیر از صداوسیما تهیه فیلم را به عهده می‌گرفت چنین پروپیمان و دیده نشده از کار در نمی‌آمد، به بازخوانی شرایط، نحوه وقوع و علت‌یابی حمله عراق به ایران پرداخته است. انتخاب ساختار فلاش‌بک برای رسیدن به علت وقوع حمله عراق و پیروزی رزمندگان ایرانی در ابتدای دهه شصت ابعاد روایی خرمشهر، شهری در آسمان را تشکیل داده است. علی حمید با واکاوی تاریخی چنین رخدادی علاوه بر پهلو زدن وجوه اثرش به مایه‌های مستند تاریخی آن را به ابعاد مستندسیاسی نیز می‌آمیزد. از این رو دامنه تحقیق حمید و گستره نویسندگی آن که توسط محمد رضاپور انجام شده، از وسعت قابل ملاحظه و در خور توجهی برخوردار است. در واقع خرمشهر به عنوان ثقل تحقیق، نقطه مرکزی پردازش ماجرا و در عین حال گسترش دامنه‌ای (خط دوار اطلاعات) و گسترش طولی (خط عمودی فلاش‌بک) مختصات هندسی فرم و محتوای آن

را شکل می‌دهد. بمباران اطلاعات پیرامون و رخداد‌های تاریخی، معاهدات ایران وضعیت عثمانی و هم‌مرزی این خطه، نقش هرات در سرنوشت بنادری چون بصره و خرمشهر از دو قرن گذشته و رویکرد پادشاهان قاجار (خصوصاً محمدشاه) در تاسیس بندر، نقش انگلستان در به هم خوردن معادلات منطقه و تسریع حضور ویرانگری چون صدام حسین و حتی نقش شاه در معاهده الجزایر (۱۹۷۵) همه و همه در ترتیب ارائه اطلاعات و دامنه قضاوت مخاطب قرار دارد.

تصاویر کمتر دیده شده آرشیوی مورد استفاده (اسناد تصویری خارجی از عکس گرفته تا نمونه فیلم از گذشته بنادر، فعالیت‌های ابتدای انقلاب، نهضت ناصر یسم، معاهده الجزیره، پالایشگاه جنگ، تصاویر مسجد جامع خرمشهر که در اختیار عراقی‌ها قرار می‌گیرد و...) به غنای محتوایی مستند افزوده است. به‌علاوه نمونه فیلم‌های حضور محمدرضا پهلوی در کنار صدام، ورود بنی صدر به فرودگاه، تصویر آرشیوی از محمد جهان‌آرا، متوسلیان و سربازان جنگ و انطباق آن با گفتار متن به تنوع تصاویر افزوده است، البته فیلم در فضا‌سازی چندان موفق نیست و تصویر و گفتار صرفاً حجم اطلاعات و داده‌هایش را به رخ مخاطب می‌کشد. آمیختگی تحلیل و اطلاعات فیلم و نتیجه‌گیری هم‌زمان در فصل‌هایی از مستند از روش‌های خاص تولید مستندهای دولتی این سال‌هاست که خرمشهر شهری در آسمان نیز از آن مبرا نیست. تلاش زیاد کارگردان در فاصله گرفتن مستندش از فیلم - بیانیه مبتنی بر دریافتی سیاسی آن را به فیلم - مقاله بیشتر نزدیک کرده است. البته پرهیز از بازسازی نقطه قوتی است که کارگردان به آن نزدیک شده که به همراه تدوین مناسب از مشخصه‌های بارز این مستند است.

از سویی مستند خرمشهر بیش از آن‌که به مایه‌های اسطوره‌ساز از دفاع مقدس بپردازد، تلاش می‌کند به رخداد واقعه محور آزادسازی خرمشهر با جوهی مبتنی بر ریشه‌یابی تاریخی نزدیک شود. آرامش ناشی از پیروزی با ملودی‌های پیانو، موسیقی لذت‌بخشی را بر زمینه تصویر خواندن نماز جماعت در سوم خردادماه ۱۳۶۱ بعد از ۲۵ روز جنگ نفس‌گیر و ۵۷۵ روز اشغال به‌گونه‌ای زیبا در انتهای فیلم و فصل افتتاحیه منجر شده است. آرامشی که توفان ضرابانگ فیلم را هم به سکون دعوت می‌کند.



معبد قرمز

The Red Chapel

ترجمه: امیر صدیقی

کارگردان: مدس بروگر، فیلم‌بردار: رنه پوهانسن، تهیه‌کننده: پیتر انگل، محصول: دانمارک، زمان: ۹۰ دقیقه

گروه «معبد قرمز» به‌عنوان یک گروه کوچک نمایش از دانمارک، در راستای طرح تبادل‌ات فرهنگی این اجازه را پیدا کرد که برای گروهی محدود و گزینش شده از تماشاگران در پایتخت کره شمالی برنامه اجرا کند. در حقیقت، این گروه شامل یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای - مدس بروگر - و دو کم‌دین کره‌ای / دانمارکی به نام‌های یاکوب و سیمون بود. یاکوب دچار بیماری فلج اختیاری است (یا آن‌طور که خودش می‌گوید «اسپاستیک»). هدف اصلی گروه استفاده از طنز برای نشان دادن پیچیدگی‌ها و مشکلات یک رژیم توتالیتر است. فیلم داستان سفر گروه و همراهی دقیق و نظارت سخت اما همراه با مهربانی یک مأمور دولتی با آن‌ها است. در عین حال تأثیر دوگانه آن‌ها بر وضعیت جسمانی یاکوب که دچار تضاد احساس شده - او هم دل‌بسته میزبانان خود است و هم از آن‌ها نفرت دارد تأثیر می‌گذارد...

این فیلم از لحاظ احساس و تأثیرگذاری شبیه فیلم «پله‌ها» لارس فون ترییر است. در مجموع می‌شود گفت که «معبد قرمز» طنز سیاهی است در مورد زندگی در کشور کره شمالی و حکومت آن است.

تأثیرگذاری تناقض در «محراب سرخ»

چه کسی چه کسی را بازی می‌دهد؟

کابوس یک فیلم‌ساز هجوکننده می‌تواند این باشد که بفهمد شوخی‌ها، خود او را نشانه گرفته‌اند. شاید این اتفاق برای مدس بروگر، کارگردان دانمارکی هم افتاده باشد. او تصمیم گرفت دو کم‌دین کره‌ای تبار را که هر دو بزرگ شده دانمارک بودند و کلمه‌ای زبان کره‌ای نمی‌دانستند، برای اجرا به کره شمالی ببرد. هدف او این بود که تا جایی که می‌تواند تصویر و اطلاعات از این کشور ثبت کند و حتی در صورت امکان رژیم این کشور را - که به‌طور مشخص هیچ ارتباطی با طنز و مطایبه ندارد - با طنز به چالش بکشد.

بروگر فکر می‌کند یک سلاح پنهان دارد؛ یاکوب نوسل کم‌دین جوان که دچار فلج اسپاستیک است و مشکل سخن گفتن او باعث می‌شود بروگر فکر کند که او می‌تواند هر چه را دلش می‌خواهد به رژیم کره شمالی بگوید چون هیچ‌کدام از افراد آن کشور متوجه گویش سخت و غریب کلمات دانمارکی او نمی‌شوند. اما در حالی که فیلم پیش می‌رود (شاید به طریقی خسته‌کننده) پانتومیم اسلپ استیک این زوج کم‌دین، تحت تأثیر کارگردان کره شمالی قرار می‌گیرد که ایده‌های خودش را دارد. در عین حال خانم پانگ، مترجم مهربان اما به‌طور ترازیکی همیشه غمگین گروه، هم سعی می‌کند چیزهایی برای تبلیغ رژیم حاکم کره شمالی به نمایش آن‌ها اضافه کند.

با پیشرفت داستان تردید نوسل در مورد کلیت ماجرا آغاز می‌شود؛ آیا بروگر شخصاً این پروژه را طراحی کرده یا او هم خودش بازیچه کسی دیگری است؟ چه کسی مشغول ریشخند کردن چه کسی است؟...

فیلم بروگر به هیچ‌کدام از این اتهامات پاسخ نمی‌دهد اما حتی با وجود این‌که انگیزه و دستاوردهای این سفر معلوم نیست، «معبد قرمز» به‌خاطر شکل‌گیری آن در پشت پرده آهنین جذاب و عجیب است. در عین حال در زمانی که اکثر مستندها بدون احساس گناه، تبلیغات خود را فریاد می‌زنند و تفکر کمی را از تماشاگر طلب می‌کنند، تماشاگر فیلمی که تناقضات اخلاقی و تفکرات خود را فیلتر نمی‌کند، می‌تواند تجربه‌ای لذت‌بخش و رهایی‌بخش باشد.

گفت‌وگو با مدس بروگر کارگردان «معبد قرمز»

مردمی که نباید می‌خندیدند

هر کس که ممکن است به خنداندن مردم کره شمالی فکر کند یا علاقه‌ای به این کار داشته باشد، بهتر است از گروه دانمارکی که اخیراً به این کشور سفر کرده‌اند درس بگیرد؛ داستان‌های معمول و حتی قصه‌های شاه پریان در این کشور که از بی‌زوله‌ترین کشور جهان است، به کار نمی‌آید. مدس بروگر، مستندساز تلویزیونی دانمارکی که در اروپا به‌خاطر فیلم‌های کمیکش شهرت دارد، این هدف را داشت تا ببیند در آن کشور «کسی هنوز می‌خندد؟»

بروگر در مورد این سفر و مستندی که از سفر شانزده روزه‌اش به کره شمالی ساخته است، می‌گوید: «حدود سه هفته روی این پروژه تحقیق و سپس برنامه سفرم به این کشور با دو کم‌دین کره‌ای تبار ساکن دانمارک را تنظیم کردم. می‌دانستم که گرفتن اجازه ورود به این کشور اصلاً کار ساده‌ای نیست اما با مقامات کره‌ای تماس گرفتم و گفتم می‌خواهم همراه دو کم‌دین به آن کشور سفر و برنامه‌های طنز اجرا کنم... به آن‌ها گفتم کاری که می‌خواهیم بکنیم نه سیاسی است نه ایدئولوژیک، آن‌ها هم به ما چراغ سبز نشان دادند. سهولت دریافت اجازه ورود به کره شمالی مرا شگفت‌زده کرد.»

بروگر ادامه می‌دهد: «ناراحت‌کننده بود که کره‌ای‌ها نمی‌خندیدند. این که ما برنامه طنزی اجرا می‌کردیم که به نظر آن‌ها خنده‌دار نبود ناراحت‌م می‌کرد... یک‌بار یک نسخه طنز از داستان معروف «شاهزاده و نخود» اثر هانس کریستین آندرسن را اجرا کردیم. نمایش ما پر از نکات طنز بود، اما نه برای مردم کره شمالی...» و البته بروگر توضیح می‌دهد مساله تفاوت زبانی نبوده: «نمایشی که اجرا کردیم بی‌کلام بود، یک کم‌دین اسلپ استیک، بدون حتی یک خط دیالوگ که فهم آن خیلی ساده بود...» اما چرا کره‌ای‌ها به چنین نمایشی نمی‌خندند؟ «این مساله ریشه در عقاید ایدئولوژیک آن‌ها دارد، مثلاً آن‌ها در شرایطی زندگی می‌کنند که به آن می‌گویند: «بهشت کارگران»، برای همین خندیدن به شوخی‌های آریستوکراتی می‌تواند اقدامی نامناسب از لحاظ ایدئولوژیک محسوب شود و برای آن‌ها خطرناک باشد.»

البته کره‌ای‌ها نمایش‌های طنز آمیز خود را دارند، نمایش‌های عموماً خیابانی به نام‌های هائه‌هاک و یا ایکسال که ریشه در دوران سلطنت خاندان بی (۱۹۱۰ - ۱۹۹۲) دارد و مردم می‌توانند به راحتی و بدون ترس از مسایل سیاسی و عواقب کار، به آن‌ها بخندند. بروگر در مورد سوژه غریب فیلمش می‌گوید: «کره شمالی را به‌خاطر ابهام آمیز بودن همیشگی این کشور انتخاب کردم، می‌دانستم که سفرم به این کشور تجربه‌ای بی‌ظنیر خواهد بود.» البته این فیلم اولین تجربه کار مستند همراه با تمایلات سیاسی بروگر نیست، او در خلال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۴ به این کشور سفر کرد تا مستندی به نام «دانمارکی‌ها با

رویای چانگ کینگ Chungking Dream

کارگردان: جان لوییژ شولد، سام بلر،
محصول: انگلستان / لوگز امبورگ، زمان: ۱۷ دقیقه

این مستند بر زندگی روزمره میهمانسرای بزرگی چون کین در هنگ کنگ متمرکز شده است، این مجتمع بزرگ از پنج بلوک تشکیل شده که هر یک چهارده طبقه دارند و هر روز میزبان ده هزار نفر است، این مجتمع یک جهان کوچک شده و فشرده است، با مردمی از فرهنگ‌های مختلف، با عقاید گوناگون. این ساختمان‌ها احتمالاً از شلوغ‌ترین ساختمان‌های جهان هستند که مهاجرانی از تمام نقاط جهان را می‌پذیرند، افرادی که هر کدام می‌توانند داستانی با خود داشته باشند...

نوشته کارگردان در معرفی خودش:

من سابقه‌ای در هنرهای تصویری دارم - بیشتر در رشته‌های عکاسی و طراحی گرافیک در زمان تحصیل در مدرسه هنر که ناشی از علائق شخصی بود - اما تا زمانی که دوربین ویدیو را کشف و تجربه نکرده بودم آن چیزی را که واقعاً به دنبال آن بودم نیافتم، با دوربین ویدیو، کفشی را که اندازه پایم بود پیدا کردم. پس از فارغ‌التحصیلی، به عنوان یک «آچار فرانسه» در سینما مشغول شدم، در این صنعت به عنوان دستیار فیلم‌بردار، تدوین‌گر، فیلم‌بردار و نیز پژوهشگر کار کردم.

آرام آرام متوجه شدم به سمت سینمای مستند و فیلم‌سازی در ژانر مستندگرایش دارم. شروع به ساختن فیلم‌های مستند کردم بعد به دانشکده ملی فیلم و تلویزیون رفتم و در رشته سینما تحصیل کردم تا بتوانم به عنوان یک کارگردان کار کنم. حالا امیدوارم بتوانم کاری را که در دو سال اخیر کرده‌ام ادامه بدهم و ایده‌هایم را بسط دهم و به فیلم بدل کنم. امیدوارم که به عنوان یک فیلم‌ساز خلاق بتوانم فیلم‌هایی را که دوست دارم و برایم مهم است، بسازم.

بوش هستند» را بسازد، این مستند که طنز سیاهی در خود داشت در اینترنت به یک پدیده بدل شد و صدها هزار نفر روی شبکه جهانی اینترنت آن را تماشا کردند. حالا فیلم «محراب سرخ» هم به فیلم محبوب جشنواره‌ها و نمایش‌های ویژه فیلم‌های مستند و هفته فیلم‌ها بدل شده است. کارگردان این فیلم می‌گوید: «به این دلیل کره شمالی را انتخاب کردم که فکر می‌کنم این نقطه از جهان با تمام نقاط دیگر فرق دارد، تا زمانی که کره شمالی، در ساختار و شکل فعلی‌اش، وجود دارد نمی‌توانی ادعا کنی که جهانی‌سازی رخ داده است... این کشور نماد جبهه ضد جهانی‌سازی است.»

در روند فیلم، در نقطه‌ای همه چیز مبهم می‌شود: «از جایی به بعد مقامات دولتی نمایش ما را تغییر دادند و عناصر و نمادهایی تبلیغی برای رژیم حاکم و نوع حکومت آن در برنامه ما گنجانده شد.» در واقع از این نقطه به بعد دیگر مشخص نیست چه کسی مشغول اجرای بازی است و چه کسی صرفاً بازی دیگری را اجرا می‌کند: «آن‌ها سعی داشتند از ما استفاده سیاسی کنند. یک روز، تظاهراتی ضد آمریکایی در میدان کیم ایل سونگ پیونگ‌یانگ برگزار شد. مقامات دولتی ما را در صف اول آن تظاهرات جا دادند، آن‌ها می‌خواستند به جهان نشان دهند که مردم کره شمالی از رژیم حاکم حمایت می‌کنند و خیلی از افراد خارجی هم همین احساس حمایت را از این حکومت دارند... چنین وضعیتی فوق‌العاده طنزآمیز بود.»

سایه‌های اصوات shadows - sound Lydskgger عنوان اصلی

کارگردان: جولی انگاس، راوی: هگه نورست
بیلدیشفلد، تدوین: زمین گتگتباخ، تهیه‌کننده:
نروژ، محصول سال ۲۰۰۸، زمان: ۷ دقیقه

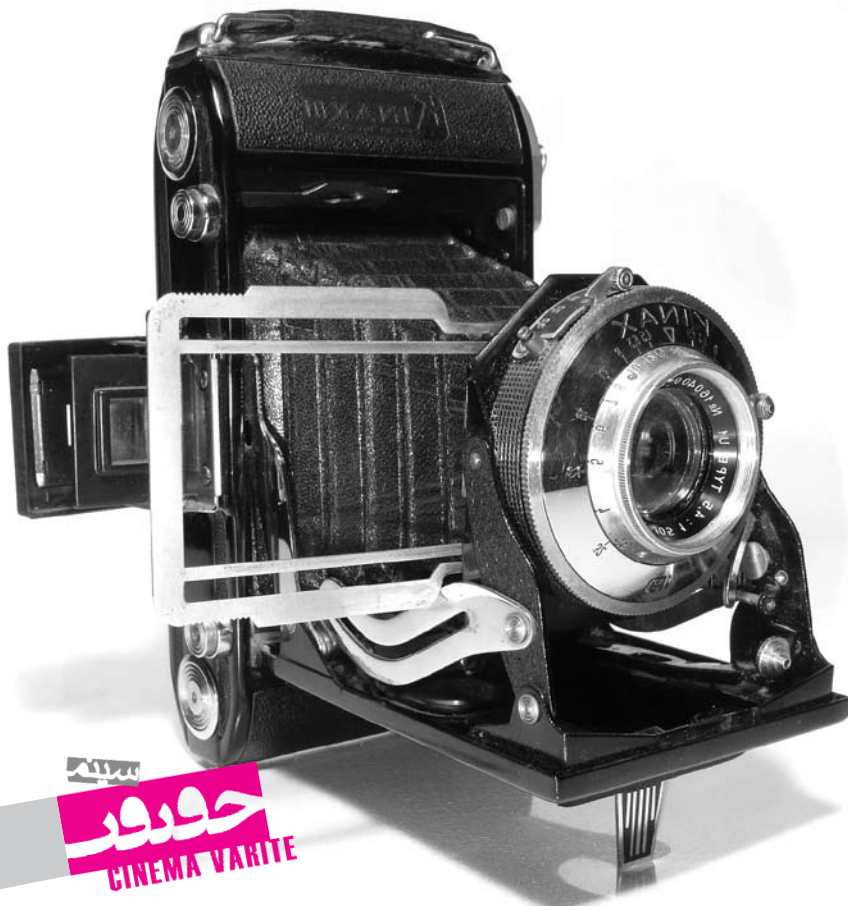
هگه نورست بیلدیشفلد نابینا است. اگر چه ما تصور می‌کنیم او چیزی غیر از تاریکی را نمی‌بیند اما واقعیت ممکن است با تصور ما فرق کند. در این فیلم مستند می‌توانیم دنیای او را ببینیم و تجربه کنیم، البته برای این کار انیمیشن به کمک آمده است.

در آغاز این فیلم می‌شنویم: «خیلی از مردم تصور می‌کنند من در تاریکی مطلق زندگی می‌کنم، اما در مقابل چشمان من هیچ چیز نیست، به جز هوا...»

این انیمیشن تلاشی است برای تصویر کردن راهی که یک فرد نابینا در پیش می‌گیرد تا دنیا را حس کند، از طریق صداها و حس لامسه. فیلم به طرز درخشانی ساده، اما به شدت تأثیرگذار است، نوع روایت آن متفاوت است و تمام کلیشه‌های موجود را در مورد چنین سوژه‌ای در هم می‌شکند. نوآوری و خلاقیت فیلم در استفاده از مدیومی خاص (و فرمی ویژه) برای روایت چیزی است که تاکنون چندان به آن پرداخته نشده است.

این فیلم در جشنواره‌های پانوراما نوردیسک (سوئد)، فکلیرفست (استرالیا)، تایاکلرا (اسپانیا)، داک داکوتتری (کانادا)، ملبورن اینترنشنال انیمیشن (استرالیا)، اکسپروژن کورتو (مکزیک)، چانگمورو اینترنشنال (کره جنوبی)، لندن اینترنشنال انیمیشن (انگلستان) و جشنواره فیلم‌های کوتاه نروژی، برگن انیمیشن، یوروداک و درانوسکه (نروژ) شرکت داشته است.

جوایز: جایزه استرومبولی از جشنواره فیلم انیمیشن برگن، مدال افتخار از جشنواره فیلم انیمیشن فردریکشتاد در بخش فیلم‌های کوتاه نوردیک - بالتیک.



گروه دیگری شکل گرفته‌اند که به طرز جالب شیوه کار مستقل و کاملاً متفاوتی نسبت به کار معمول و حتی کار دیگر افراد شبیه خود ارائه می‌دهند.

به نظر شما وضع انیمیشن جهان در سال ۲۰۰۹ چگونه بوده؟

من بسیاری از انیمیشن‌های اخیر را ندیده‌ام پس نمی‌توانم قضاوت خوبی در این مورد داشته باشم. اما فکر می‌کنم اتفاق مهم و تاثیرگذار این است که حالا انیماتورها می‌توانند از تکنیک‌های مختلف استفاده کنند. حالا می‌بینیم که در حیطه‌های مختلف کسانی به انیمیشن روی می‌آورند؛ در فیلم‌های زنده، مستند، طراحی گرافیکی، هنرهای زیبا و... و البته انیماتورها هم به سمت کار کردن در سایر حیطه‌ها می‌روند. قطعاً این مساله هم روی سوزهای فیلم‌های انیمیشن و هم روی ساختار این‌گونه فیلم‌ها تاثیر می‌گذارد.

به نظر شما در سال‌های اخیر کدام یک از انیمیشن‌ها تاثیرگذار بوده‌اند؟ در دوران کودکی شما کدام انیمیشن‌های تلویزیونی بر شما تاثیر گذاشت؟

باید اعتراف کنم در چند سال اخیر واقعاً فیلم‌های انیمیشن زیادی ندیده‌ام و قطعاً فیلم‌های بسیاری هست که اگر ببینم بر من تاثیر خواهند گذاشت.

در مورد فیلم‌هایی هم که در دوران کودکی در تلویزیون سوئد می‌دیدم باید بگویم دیدن انیمیشن‌های دیزنی و هانا باربرا و همین‌طور فیلم‌های انیمیشن و عروسکی بلوک شرق و پروژه‌های جذاب استودیوهای زاگرب را به خاطر می‌آورم.

برای افرادی که تازه کار انیمیشن را شروع کرده‌اند، چه توصیه‌ای دارید تا بتوانند کارهایی هنرمندانه مثل آثار شما خلق کنند؟

به نظرم در حال حاضر در بسیاری از انیمیشن‌ها مساله اصلی مورد نظر سازنده‌ها، ثابت کردن توانایی و استعداد کار انیمیشن است و این مساله بسیار مهم که باید قصه‌ای را با قدرت تعریف کنی یا فرمی تاثیرگذار از هنر ارائه دهی، از یاد می‌رود.

فکر می‌کنم افراد تازه‌کار باید در اولین و مهم‌ترین مرحله کاری انگیزه‌های خود از ساخت یک انیمیشن را تجزیه و تحلیل کنند. اگر آن‌ها به این نتیجه برسند که فرقی نمی‌کند خودشان یا انیماتورهای دیگر روی این فیلم کار کنند و در هر حال این فیلم، فیلمی ارزشمند خواهد شد، آن وقت این پروژه ارزش کار خواهد داشت.

فیلم‌های شما در جشنواره‌های بین‌المللی زیادی به نمایش درآمده است، حضور در جشنواره‌ها تجربه مفیدی برای شما به شمار می‌آید؟

به‌طور کلی فکر می‌کنم جشنواره‌های فیلم محل بسیار خوبی برای برقراری ارتباط و شناختن افراد و نیز الهام گرفتن فیلم‌سازان باشد، به نظرم جشنواره‌ای موفق خواهد بود که هم فیلم‌های انیمیشن هنری و هم فیلم‌های بخش تجاری انیمیشن، یا در مورد فیلم‌های زنده، فیلم‌های هنری و نیز فیلم‌های بلاک باستر و مربوط به صنعت سینما را به صورت توأمان در برنامه‌های خود داشته باشد.

ممکن است کمی درباره ایده فیلم و اینکه چه چیزی تو را به این پروژه جذب کرد، توضیح دهی؟

فیلم قبلی من بر اساس مصاحبه‌های ضبط شده ویدیویی بود. زمانی که با این فرم کار می‌کنی همیشه از این نگران هستی که نکند افرادی که با آن‌ها صحبت می‌کنی به تو دروغ بگویند. این موضوع مرا به سوز «دروغ» رساند و بر آن متمرکز شدم. البته می‌دانم که ما فیلم‌سازان بزرگ‌ترین دروغگویان هستیم و حتی از این راه - یعنی دروغگویی - کسب درآمد داریم و با این درآمد زندگی می‌کنیم. چیزی که من را جذب پروژه کرد، شخصی بودن داستان‌هایی است که روایت می‌شود، این چنین داستان‌هایی را در هیچ جای دیگر و در هیچ زمان دیگر نمی‌توانید پیدا کنید.

روند تولید فیلم چه قدر طول کشید؟ از چه تکنولوژی‌هایی در ساخت آن استفاده کردید و استفاده از این تکنولوژی و کل تولید فیلم چه قدر هزینه برد؟

مرحله تحقیق و گرفتن مصاحبه‌ها سخت‌ترین و طولانی‌ترین مرحله تولید بود و فکر می‌کنم چیزی بیش از یک سال به طول انجامید. مرحله فیلم‌برداری فیلم، مرحله ضبط لحظات زنده و ترکیب آن با انیمیشن، چیزی بیش از چهار ماه زمان برد. البته بخش عمده انیمیشن فیلم بعد از ضبط لحظات زنده شکل گرفت، برخی از این لحظه‌ها با نقاشی‌های دست و برخی دیگر به شیوه ایست - حرکت خلق شدند.

سخت‌ترین بخش کار از لحاظ ساختاری کدام بخش بود؟

بخش مصاحبه‌ها و شکل دادن آن‌ها در فرم روایی با حفظ فضای حاکم بر لحظه ضبط آن، در زمان کار در فرم مستند باید به مردمی که شجاع و با تو همدل بوده‌اند و قصه‌های خود را برایت نقل کرده‌اند، وفادار باشی.

چه طور برای ساختار فیلم تصمیم می‌گیری؟

در مورد این پروژه خاص از خود داستان‌ها الهام گرفتیم. استیل سینمایی و فرم گرافیکی هر داستان از تن و لحن همان داستان بیرون آمد.

وضعیت سینمای انیمیشن در سوئد در حال حاضر چگونه است؟

در سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ انیمیشن‌های فوق‌العاده، با ساختارهای متفاوت در سوئد ساخته شد اما پس از چهل سال هیچ اتفاقی در صنعت فیلم‌سازی انیمیشن سوئد نیفتاد. حالا ما در سوئد تکنولوژی دیجیتال برای انیمیشن داریم که بسیار خوب است و انیماتورهایی داریم که گاه در سطح سوئد کار می‌کنند و گاه در سطح جهانی و مدام در حال رفت و آمد بین این دو سطح هستند. البته در حال حاضر

مصاحبه با یوناس اودل، کارگردان «دروغ‌ها» فرم از خود قصه آمد...

مترجم: رامین زاهد / منبع: انیمیشن مگزین

یوناس اودل با فیلم «دروغ‌ها» جایزه بهترین فیلم کوتاه جشنواره ساندنس را ربود. این فیلم استیلیزه در سه اپیزود به دروغ و تاثیرات آن می‌پردازد. فیلم کوتاه دیگر او «هرگز مثل باوراول نمی‌شود» (۲۰۰۶) هم در بسیاری از جشنواره‌ها مورد توجه قرار گرفت. این کارگردان جوان در کارنامه‌اش کلیپ‌های موسیقی و آگهی‌های تبلیغاتی زیادی دارد از جمله کلیپ آهنگ‌های «پنجره‌ای در آسمان» گروه U2 و «منو بیر بیرون» فرانز فریدیناند.



Soosan Bayani:

Amir Naderi's mere name is enough to initiate curiosity

Soosan Bayani director of documentaries such as, *Look at Me*, *Person Who Yawns in a Yellow Nightmare*, and *More Or Less*, has a documentary in the present Festival about one Amir Naderi's movies on Islamic Revolution.

Why did you choose a documentary by Naderi to make your own documentary? some time ago a documentary series about Revolution was supposed to be made for Iran's National

Television. There many limitations to choose from an incomplete archive. I chose Mr. Nader's documentary which one of the few montage films. His name is tempting to make film on his works.

When did you watch "In quest of" for the first time, and what was your reaction?

I watched it for the first time before starting my own documentary, I thought that t it is a long movie and at times it becomes boring; however, the director has an artistic point of view in recording the events; all the plans and frames are scrutinized.

Which aspect of this film did you focus on in your own documentary, its cinematic aspect or its historical aspect?

Mostly I focused on its documentation and historical features. However, it is an artistic film for its time.

Did you have any plans to interview Mr. Naderi

about his film?

Yes, I did. However, I could not interview him, because he is living abroad; besides, his special characteristics makes it difficult to have an interview with him. Then, I thought that he is present everywhere in his film, so there is no need to interview him in my documentary.

How do you think Cinema-Truth Festival has influenced our documentary cinema during the last two times?

It is a little soon to talk about its influences on our documentary in general. However, it is a happy event, one of those rare ones in Iran.

In spite of the inappropriate condition of documentary in Iran and the fact that for example Television is unwilling to show documentaries; documentary makers continue their works hopefully, why?

I am not as optimistic as you are. The number of documentaries made in Iran is related to characteristics of Iranian society, nothing else; A young and confused generation who tries to enter every area to find its way. In contrast to your examples, I have many friends who do not make documentaries anymore. I have made a documentary for Television and it has been censored terribly; fining an investor is also a big problem. Therefore, I am not optimistic of the results.

Toraj Rabbani:

I am optimistic for the future of our documentary cinema

The Unfinished Picture, Bahman Jalali irected by Toraj Rabbani and Amid Rashedi won the best long documentary award in the 27th . it is about the life and works of Bahman Jalali, the well-known photographer. What aspect of Jalali's life is emphasized in this documentary? Totaj Rabbani replies some of these questions.

Before talking about your documentary, I wanted to know about your impression of Cinema-Truth Festival and its influence on our documentary cinema?

In a normal situation I should say, it is a very significant

event. However, I should evaluate it as a fortune and also a misfortune. It is a good chance for the documentary makers to present their movies in this Festival; at that same time unfortunately our film makers do not have any other places to present their works except Festival. Such kind of Festivals should be a means of developing the documentaries, while the directors' goal is to present at least one or two films in Festivals.

Regarding the great number f new documentary makers, do you think that we are entering a new era?

I don't think so; however, I am very optimistic towards future. We can not say that we have entered a new era as far as we are still limited by the censorship; besides we don't have the required equipment. There is not any

private investors and governmental investors are hard to find and harder to work with.

In such a bad financial situation how did you supply your film's financial recourses?

It was a personal investment; there was not any private or public investor except myself.

In spite of all of these problems, does any motivation remain to continue?

Let me clarify a point; everything goes back to love. I love documentaries. In spite of all the financial problems we stated and we finished a film anyway. I contacted many private and governmental investors but we came to no agreement. Therefore, instead of accepting limited money, I thought to make an independent film. It was my first professional film.

Tell us about the idea and subject of your documentary? How did you come with it?

Mr. Jalali believes that photographs should be unfinished and incomplete. It means that the audience should be allowed to complete a photograph imaginarily. In fact a good photograph is completed by an audience. Mr. Jalali explains more about his theory in this film. Moreover, he provides some more information about how and when photography was considered as a significant art in Iran; how it was changed from a practical issue to an artistic one.

CINEMA VERITE 5

Thu - Oct - 19 - 2009

Dr. Akhoondi:

documentary prepares the appropriate background to accept modern technology

One of the new sections in this year's Festival is a medical and scientific documentary section which is supported and held by the New Medical Technology Ibn-e-Sina Jihad University; six medical and scientific documentaries are presented; best ones will be awarded. This was the occasion to have a digital interview with Dr. Akhondi through emails.

What was your purpose in employing documentary as a means of communicating your ideas?

Cinema, specifically documentary cinema has great capability to convey a deep

and precise aspect of various subjects. Using documentary it is possible to communicate and simplify a huge amount of information to the audience without making them bored. As a consequence, not only scientific aspects of subjects, but moral, legal, and social aspects of medical or scientific subjects could be conveyed by the means of documentary shows.

How documentary shows help the Research Center achieve its goals?

As I told before it may help the public to get familiar with complicated and modern medical technology, therefore, it helps us to improve the public knowledge and awareness in this domain.

Does the Research Center help any documentary productions financially?

In all of these medical and scientific documentary projects Ibn-e-Sina Research Center had been Partner with Center Experimental and Documentary Development.

Do you have any plans to perform and present these documentaries for the public audience?

So far we have showed these medical and scientific documentaries in may different seminars and meetings. We also use them for University students and experts.

Shirin Barghnavard:

Nobody Was Satisfied

At the End of the Season by Shirin Barghnavard is a documentary about people of south's reactions to Khosro Sinaei's movie "The Bride of Fire". The Bride of Fire has a horrifying story about southern people's traditions and customs, which initiated many different reactions, shown in "At the End of the Season."

What happened that you chose documentary and The Bride of Fire?

It was an incident! Before this I had made short fictional movies. This film

is categorized in "one film, one experience" collection. The producer suggested a list of movies to make a documentary about. None of them attracted me; I suggested The Bride of Fire which I was influenced by a lot. Producers accepted it, by the way.

Why did you choose The Bride of Fire?

it was a very controversial film at its time of perform-

ance, ten years ago. I believe that The Bride of Fire has a courageous subject selection; a social issue which analyzes tribal and ethnic issues.

How local people reacted to your film?

We had three locations. When we traveled to Ahvaz we interviewed some local people. Almost nobody was satisfied with the subject (The Bride of Fire); the interesting point is that most of them had not watched the movie itself.

How long did the filming and research take?

To make this 47 minutes documentary we did about 6 -7 months research and work project.

How do you think that Cinema-Truth Festival will help documentary cinema to improve?

The least advantage can be that it will be a place for all the film makers to gather and exchange ideas and backgrounds.



نشريه روزانه سومين جشنواره بين المللي سينما حقيقت

زير نظر : روابط عمومي مركز گسترش سينماي مستند و تجربي
مدير مسئول : محمد آفريده

سردبير : شاهين امين

طراح : بابك قادري

بخش ايران : رامك صبحي ، سحر آزاد ، سارا امت علي ، فرزانه

ابراهيم زاده ، پريچهر باقري ، طاهره رحيمي ، رامتين شهبازي ، سحر

عصر آزاد ، مازيار فكري ارشاد ، علي اصغر كشاني ، الهام نداف

بخش بين الملل : امير صدری ، رضا حسینی

انگلیسی : مریم نجفی

عکس : حسین یاریاس

امور چاپ : محمدرضا جندقی

چاپ و لیتوگرافی : چاپخانه بنیاد اندیشه اسلامی

WWW.IRANDOCFEST.IR